نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۲۴ پنجشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

پستی و ناجوانمردی بس است
احسان سلطانی

چرا خیابان جای صندوق رای را گرفت؟
مصطفی‌داننده

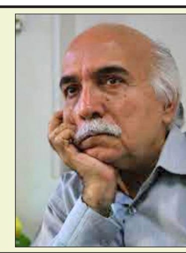
بیانیه گروهی از داروسازان استان بوشهر:
متاثر و اندوهگین هستیم

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

ما جامعه داروسازی کشور اعم از اساتید، دانشجویان، تکنسین های دارویی، موسسین و مسئولین فنی داروخانه، و همه فعالان عرصه داروسازی همانند سایر اقشار و اصناف، ومردم عزیز کشورمان "ایران سرفراز" از درگذشت هم میهنانمان در تمام جای جای این خاک، متاثر و اندوهگین هستیم و ضمن محکوم کردن این اتفاقات و رفتارهای غیر انسانی، مصیبت وارده را به خانواده هایشان تسلیت می‌گوییم.

«گروهی از داروسازان استان بوشهر»

۱- دکتر ارسلان علمدارلو، ۲-دکتر مینو کاظمی، ۳- دکتر جمشید عبدامامی، ۴- دکتر سیرانوش یاحسینی، ۵-دکتر رومینا تنیده، ۶.دکتر افسانه حاجیان، ۷.دکتر محبت گندمکار، ۸-دکتر ساحل شریف زاده، ۹- دکتر محمدرضا کیافر، ۱۰- دکتر محمدجعفر ایزدپناه، ۱۱.دکتر محمدجواد باقری، ۱۲.دکتر مهدی بمانا، ۱۳ دکتر محمدرضا آرامی، ۱۴-دکتر مهران تنگستانی، ۱۵. دکتر نیلوفر حقیقت، ۱۶.دکتر سارا راداندیش، ۱۷- دکتر یعقوب پندار، ۱۸ دکتر پروانه حسین خضری، ۱۹-دکتر اصغر دهقانی، ۲۰- دکتر محمد ابراهیم آهنگی، ۲۱- دکتر مهدی ابراهیمی، ۲۲-دکتر رسول حسنی، ۲۳-دکتر امیرحسین چاهکوتاهی، ۲۴- دکتر زهره احمدی، ۲۵- دکتر مریم بهمیاری، ۲۶- دکتر مصطفی قاسمی، ۲۷-دکتر نیلوفر دژم، ۲۸- دکتر آرش مهدی زاده، ۲۹-دکتر سپیده آریا، ۳۰- دکتر امراله کلانتری، ۳۱-دکتر زینب کریمی، ۳۲-دکتر روزبه آذری کیا، ۳۳- دکتر یاسمن عباسی، ۳۴-دکتر علی اصغر صالحی زنجانی، ۳۵- دکتر کریمی مهدی، ۳۶-دکتر زینب بک زاده، ۳۷- دکتر فائزه عبدی زاده، ۳۸-دکتر بابک‌محمدحسین پور، ۳۹ - دکتر فرود پرویزی، ۴۰- دکتر فروغ علیزاده، ۴۱-دکتر سهیل افرازی، ۴۲- دکتر احمد رستمی، ۴۳- دکتر احمد شفیعی، ۴۴- دکتر حدیث حسن زاده، ۴۵- دکتر محمد رحمانی، ۴۶- دکتر محمد صادق عالی پور، ۴۷- دکتر مهتا مرحمتی، ۴۸- دکتر فریبا گودرزی دورکی، ۴۹- دکتر حبیب الله جوکار درزی، ۵۰- داروساز سعید حیدری



سفره نیانداخته، بوی مُشک می دهد
حسین حشمتی

غلامرضا خضری، مدرس بازیگری، نویسندگی و کارگردانی تاتر در بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:
هنرمندان جوان را فراموش نکنید...



عرض تسلیت



خانواده محترم عصفوری،
درگذشت معلم عزیز و فرهیخته
حاج محمد عصفوی
را به شما و بازماندگان و جامعه فرهنگی و ورزشی تسلیت عرض نموده، برای روح آن مرحوم آرامش ابدی و برای بازماندگان صبر و طول عمر آرزومندیم.

(جمعی از دانش آموختگان رشته ریاضی دبیرستان سعادت بوشهر دوره ۴۹ - ۱۳٤٦)

۶ سکانس از بلای فیلترینگ بر سر اقتصاد
از ورشکستگی کسب و کارهای اینترنتی تا افزایش بیکاری

پستی و ناجوانمردی بس است

احسان سلطانی

عده ای که عناوینی مانند مشاور اقتصادی، تحلیل گر مالی و ... را یدک می کشند، اخیرا بر مبنای قیمت سکه صحبت از آزاد شدن فنر قیمت دلار! و صعود آن تا ۳۹۰۰۰ تومان می کنند. شگرد کثیف اینها در ۵ سال گذشته برای استمرار سونامی قیمتها این است که قیمت یک دارایی بالاتر را ملاک قرار داده و با تحریک ایجاد التهاب در بازار افزایش قیمتها را دامن زده اند. همیشه قیمت یک دارایی یا ... از سایر قیمتها جلوتر می رود و اینها یک حباب قیمت را ملاک افزایش سایر قیمتها قرار می دهند.

سوال این است که چرا قیمت دلار با حقوق و دستمزدها هیچگاه این گونه مقایسه و محاسبه نمی شود که باید ۱۵ هزار تومان باشد یا حتی با ارزش سهام یا نرخ تورم. چرا همیشه معادلات و محاسبات اینها بر ضد مصالح مردم و در جهت منافع صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی است؟

از افزایش مستمر قیمت دلار چه گروه هایی سود می برند؟ در واقع اینها با دامن زدن به جو گرانی و استمرار افزایش قیمت دلار و به تبع آن کالاها و خدمات دولتی و بنگاه های دولتی و خصولتی، منافع دولت، بنگاه های رانتی، بانکهای فاسد و کاسبان تحریم ها را دنبال می کنند. چگونه است در شرایطی که همه چیز کنترل می شود اینها آزادانه فعالیت می کنند. در حالی که فضای رسانه ها و روزنامه ها هر روز بسته تر می شود، اینها مانند قارچ رشد می کنند و به هولدینگ رسانه ای تبدیل می شوند؟ چون منافع صاحبان قدرت و ثروت را تامین می کنند. چون در لباس اقتصاددان و تحلیلگر و کارشناس چپاول مردم را موجه سازی می کنند.

اینها لباس شخصی های اقتصادی (در لباس بخش خصوصی و مردم) هستند که زمینه ساز فقر و فلاکت مردم و به تبع آن گسلها و بحرانهای اجتماعی می شوند. اینها حتی با گرفتن ژست آزادی خواهی و نقش اپوزیسیون در پی تامین منافع ائتلاف غالب رانتی- رفاقتی- غارتی برای چپاول هر چه بیشتر مردم با مالیات تورمی هستند. اینها که چپاول مردم با امواج گرانی را دنبال می کنند، بر سر سفره همانها نشسته اند که آزادی های اجتماعی را سلب می کنند. اینها ایران را به مکانی غیرقابل سکونت برای ایرانیان تبدیل کرده اند. مردم در کوچه و خیابان و حرم جان می دهند و اینها همچنان در پی چپاول مردم هستند. پستی و ناجوانمردی بس است. پستی و ناجوانمردی بس است./ ایران تایمز

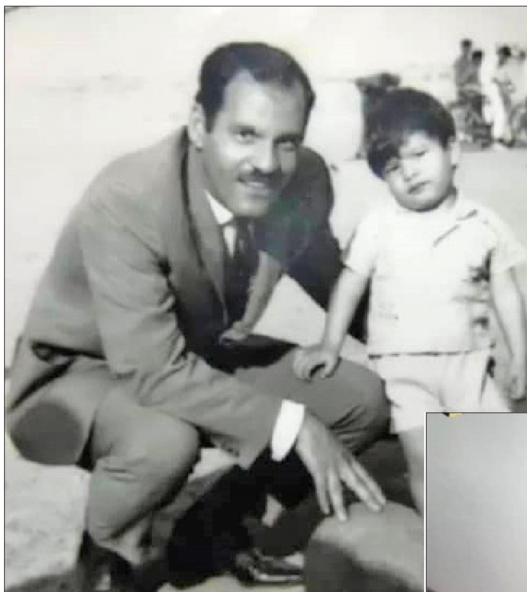
نماینده انجمن جامعه شناسی ایران: مردم به زبان خویش آرمان های خود را بازگو می کنند خانه ای نمانده که از جنبش حرف نزند

دکتر رحیم محمدی نماینده انجمن جامعه شناسی ایران:مدل دولت های قدیم یا مشروطه یا مطلقه سبکی از زیست سیاسی در مقطعی از تاریخ حکمرانی کشور بوده و آن چه در مورد آینده ایران قابل پیش بینی است ظهور یک "دولت جامعوی" است. مدلی که حقوق و آزادی ها و مطالبات شهروندان محور اصلی باشد.»

– «امروزه زبانِ جنبش همه یا اغلب خانه‌ها و محفل‌ها و جلساتِ و کلاس‌های دانشگاه و مدرسه و فضای بازارها و مساجد را گشوده است و جنبش به پدیده‌ای تبدیل شده است که هر کسی که اهل گفتن است، نمی‌تواند از آن نپرسد و از آن حرف نزند و نسبت به آن موضع نگیرد.»

در سوگ معلم خوشنام؛ شادروان محمد عصفوری

مهدی جهانبخشان





به جرأت می توانم بگویم که ما نسل خوشبختی بودیم که در دبیرستان‌های بوشهر، به خصوص دبیرستان سعادت، از دبیران فرهیخته ای درس آموختیم که رتبه استادی دانشگاه را داشتند. اگر بخواهم نامشان را در این جا ذکر کنم شاید نتوانم به طور کامل ادای دین بنمایم.

متاسفانه یکی از این استادان بنام یعنی جناب استاد عصفوری، جهان ما را ترک کرد.

بارها قصد سفر به شیراز و مصاحبه با ایشان را داشتم اما واقعا کوتاهی کردم. وی متولد سال ۱۳۱۴ یا ۱۳۱۵ و مدرس شیمی بود و در تدریس تبحر خاصی داشت. جدا از دانش تخصصی، در زمینه جغرافیا و تاریخ، به خصوص تاریخ تطبیقی نیز متبحر بود. همچنین استاد عصفوری از طرفداران پرو پاقرص تیم ورزشی ایرانجوان بوشهر قلمداد می شد که تعصب خاصی روی تیم از خود نشان می داد.

از دلبستگی های دیگر آن فقید تعلق خاطرش به لهجه زیبای بوشهری را می توان ذکر نمود.

از این استاد بزرگ، فرزندانی دانشمند بجا مانده، دکتر شهریار که رشته اش شیمی است و پزشک متخصص خون، دکتر شهرام عصفوری.

یاد و نام استاد عصفوری گرامی باد.

۶ پروژه برای نجات بوشهر از کم آبی در استان بوشهر

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای بوشهر از اجرا ۶ پروژه سدسازی در استان خبر داد و گفت: این پروژه‌ها با پیشرفت فیزیکی قابل قبول در استان بوشهر در حال اجرا و پروژه سد باغان با پیشرفت ۸۷ درصد در آستانه آبگیری است.

به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، علی محمدی در نشست با خبرنگاران اظهار داشت: با مطالعات انجام شده در سنوات اخیر، طرح‌های توسعه منابع آب در برخی از حوزه‌های دارای ظرفیت و یا دارای خطرپذیری بالا آغاز شده و هم اکنون ۶ پروژه سد سازی با پیشرفت فیزیکی قابل قبول در استان بوشهر در حال ساخت است.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای بوشهر افزود: مطالعات چهار پروژه شامل سدهای با کاربری شرب، کشاورزی و صنعت در مناطق مختلف استان بوشهر انجام شده و ۲ پروژه دیگر در مرحله مطالعات به سر می‌برند.

وی ادامه داد: سد دهرود در شهرستان دشتستان یکی از این پروژه‌ها است که با حجم مخزن ۱۰.۵ میلیون مترمکعب، به منظور کاهش فشار بر سفره‌های آب زیرزمینی، بهبود شرایط کشاورزی به ویژه گلخانه‌ها و تأمین بخشی از آب شرب منطقه آماده اجرا است.

این مقام مسئول با اشاره به اینکه این پروژه، از طرح‌های مصوب سفر ریاست جمهوری به استان بوشهر است، تاکید کرد: تأمین آب یکی از اولویت‌های اصلی استان بوشهر است و به‌منظور بهره‌برداری حداکثری از رواناب‌های موجود در استان، ۶ پروژه سد سازی در استان بوشهر آماده اجرا و یا در حال مطالعه است.

محمدی بیان داشت: شهرستان جم یکی از مناطق دارای محدودیت در راستای تأمین آب شرب است که هم اکنون پروژه سد باغان با پیشرفت ۸۷ درصد در آستانه آبگیری و تأمین بخشی از آب شرب این شهرستان در حال احداث است.

علی محمدی اعلام کرد: سد کلاکل نیز دیگر پروژه تأمین آب شرب شهرستان جم است که با حجم مخزن ۹.۴ میلیون مترمکعب، در مرحله پایان مطالعات و شروع عملیات اجرایی قرار دارد.

وی تصریح ساخت: سد عنبری دیگر پروژه مطالعاتی این شرکت است و به منظور کنترل سیلاب‌های مخرب کوهستان‌های بالادست شبانکاره و کاهش خسارات ناشی از سیلاب‌ها در اراضی مسکونی و کشاورزی مناطق پیرامونی خود احداث خواهد شد.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای بوشهر اضافه کرد: این سد با حجم مخزن ۵.۳ میلیون مترمکعب، علاوه بر کنترل سیلاب‌های مخرب، آبی پایدار و قابل استفاده در بخش کشاورزی را تأمین خواهد کرد. وی یادآور شد: هم اکنون سه پروژه در مناطق چهار روستایی، دره گپ و دره رجدون در مراحل مختلف مطالعات به سر می‌برد و با تکمیل مطالعات، آمادگی احداث این پروژه‌ها نیز وجود دارد.

محمدی حجم تجمعی مخازن پروژه‌های مذکور را ۱۱۳.۲ میلیون مترمکعب دانست و خاطر نشان کرد: با تکمیل آنها، ظرفیت بزرگی به تأمین منابع آب از داخل استان بوشهر افزوده خواهد شد.

شافعی، رییس اتاق بازرگانی ایران مطرح کرد:

با این روال، تصور موجود زنده در ایران تا ۲۰ سال آینده دور از انتظار است

غلامحسین شافعی رییس اتاق بازرگانی ایران، امنیت غذایی را موضوعی مهم در اقتصاد کشور عنوان کرد و افزود: ایران به لحاظ موقعیت استراتژیک در منطقه دارای جایگاه ویژه‌ای است شرایط آب و هوایی و تنوع اقلیمی در ایران این امکان را برای ما فراهم کرده که بتوانیم جایگاه مناسبی در حوزه امنیت غذایی برای خود ایجاد کنیم.

وی با اشاره به اجلاس کشاورزی مشترک ایران و هلند در سال ۸۲ گفت: هلندی‌ها بر این باور بودند که کشاورزی و غذای ایران شیر خفته‌ای است و وای بر روزی که این شیر خفته بیدار شود. پرسش اصلی این است که آیا این شیر خفته بیدار خواهد شد یا همچنان در خواب باقی خواهد ماند؟

وی با اشاره به چالش‌هایی بزرگی که در بخش کشاورزی وجود دارد گفت: روند حرکت ما در آینده آیا توفیق‌آمیز خواهد بود و آیا می‌توانیم این روند توفیق آمیز را ادامه بدهیم یا خیر؟

رییس اتاق ایران چالش آب را مهمترین چالش عمیق کشور عنوان کرد و افزود: چالش آب خطر بزرگی برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود این موضوعی است که کمتر به آن پرداخته‌ایم.

شافعی با بیان این که باید برای حل مشکل بحران آب اقداماتی را آغاز کنیم افزود: در دهه ۵۰، ۴۷ هزار چاه عمیق در کشور وجود داشت این درحالی است که تعداد حلقه‌های عمیق در سال ۹۸ به عدد ۸۵۰ هزار حلقه چاه عمیق رسیده است. وضعیت تالاب‌ها بر همگان مشخص است و ما می‌دانیم که شرایط محیط زیست در کشور به چگونه است.

وی با اشاره به تصویب نشدن طرح پرک در مجلس گفت: اتاق برای تصویب نشدن این طرح اقدامات مهمی انجام داد اگر این طرح در مجلس تصویب می‌شد شرایط آب در کشور وخیم‌تر می‌شد.

شافعی با اشاره به گزارش نهادهای بین المللی به ویژه سازمان ملل در زمینه بحران آب در ایران گفت: گزارش سازمان ملل نشان می‌دهد که اگر ایران به همین منوال جلو برود در ۲۰ سال آینده تصور موجود زنده در این کشور دور از انتظار است. ایران ۱۰ سال فرصت دارد که از این چالش جلوگیری کند ما می‌توانیم این بحران را مدیریت کنیم، مشروط به این که کشت زعفران به اردبیل نرود و بزرگترین کشت هندوانه به مناطق شرقی ایران منتقل نشود و ما از صادر کننده نمونه هندوانه تقدیر نکنیم.

وی با اشاره به شرایط صنایع وابسته به کشاورزی گفت: ما به اشتباه در حوزه تکثرگرایی فعالیت کردیم و آن را توسعه دادیم به عنوان مثال در ایران ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان گوجه فرنگی تولید می‌شد، ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تن به شکل تازه خوری مصرف و بقیه آن در حوزه صنایع تبدیلی مصرف می‌شود. این درحالی است که می‌توانیم تولید ۷۰۰ هزار تن را داشته باشد، اما ظرفیت کارخانه‌های ما حدود ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تن است. به گفته وی همین شرایط در کارخانه‌های کنسانتره میوه نیز وجود دارد.

رییس اتاق ایران با بیان این که اصلاح الگو مصرف محصولات کشاورزی و غذا باید در کشور دنبال شود افزود: ضایعات و دورریز و مصرف غذا در ایران بسیار بالاست و باید برای کاهش آن الگوی مصرف را تنظیم و رعایت کنیم.

دکتر تقی آزاد ارمکی استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران:

نظام باید در برخی حوزه‌ها تغییرات انجام دهد



به گزارش آفتاب‌نیوز؛ تقی آزاد ارمکی استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران با بیان این که چندین راهکار برای پایان دادن به اعتراضات وجود دارد، اظهار کرد: اولین راهکار این است که باید اعلام آشتی عمومی کنیم. جامعه ایرانی با خود قهر است به طور مثال یک تصادف در خیابان می‌تواند به یک نزاع تبدیل شود یا اختلاف کوچک خانوادگی می‌تواند یک نزاع ایجاد کند. باید با یک نفس الهی، خدایی و انسانی همه را به آشتی دعوت کرد. در صورت ایجاد آشتی ملی، همگرایی اجتماعی هم پیدا خواهد شد.

نظام باید در برخی حوزه‌ها تغییرات محدودی انجام دهد

وی ادامه داد: راهکار دوم این است که یک اقدام به تغییر آغاز شود. نظام باید در برخی حوزه‌ها یک تغییراتی نه خیلی زیاد بلکه محدودی انجام دهد. به طور مثال در فضای افکار عمومی برخی افراد وقتی حرف میزنند برای جامعه آزاردهنده هستند و وقتی کسی نقد می‌کند، آن‌ها شروع می‌کنند به تهمت زدن و پرونده سازی. این افراد در جامعه خشونت ایجاد می‌کنند که به نظر من این افراد باید کنار بروند. پیشنهادم این است که افرادی مثل آقای سیدعباس صالحی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات که فردی اصولگرا، معتدل و عاقل است، بیشتر به کار گرفته شوند.

این استاد دانشگاه ادامه داد: راهکار سوم اصلاح رویه‌هایی است که در کشور به لحاظ اجرا و عمل آزاردهنده است. دولت امکانات در اختیار دارد و قوی است و این رویه‌های آزاردهنده را باید اصلاح کند مثلا دریافت جواز از شهرداری یک فرایند دو ساله دارد. یک زمانی دریافت گذرنامه شش ماه زمان می‌برد. مرحوم هاشمی گفت باید سیستمی طراحی شود که گذرنامه یک روزه صادر شود حالا البته گذرنامه یک روزه صادر نمی‌شود، ولی ده روزه که انجام می‌شود. مثال دیگر این که برای تعویض کنتور آب اول باید به چند نفر رشوه داد، ولی با این وجود، طی کردن همین فرایندها برای تعویض کنتور، مردم را آزار می‌دهد. باید سیستم اصلاح شود تا مردم دیگر از این مسائل آزار نبینند.

مهم است که جامعه احساس کند که حکومت اعتراض را می‌پذیرد

وی در پاسخ به این پرسش که آیا معترضان به تغییرات حداقلی رضایت می‌دهند؟ تصریح کرد: بله. مهم این است که جامعه احساس کند که حکومت اعتراض را می‌پذیرد و دنبال ایجاد تغییرات است. جامعه که نمی‌خواهد از حکومت عبور کند. فروپاشی در دستور کار جامعه نیست البته گروه‌هایی که دنبال فروپاشی هستند هم وجود دارند، اما کل جامعه می‌گوید از این وضع خسته شده ام. تغییرات محدود نشانه تغییرات بیشتر است و رفتارها در نظام سیاسی و اداری می‌تواند تغییر کند. قرار نیست که قانون اساسی تغییر کند، زیرا تغییر قانون اساسی یعنی انقلاب صورت گرفته است.

مردم به جای صداوسیما رسانه‌های فارسی زبان تماشا می‌کنند

این استاد دانشگاه همچنین با انتقاد از رویکرد صداوسیما در قبال اعتراضات و لزوم اصلاح آن، گفت: همه برنامه‌های تلویزیون مثل هم هست و مردم از آن خسته شده اند پس به سمت رسانه‌های دیگر مثل رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور می‌روند. همه برنامه‌های تلویزیون تکراری است. این رویکرد باید اصلاح شود.

اگر برخی حرف‌ها زده نشود، جامعه آرام می‌گیرد

آزاد ارمکی همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا رویکرد اصلی اعتراضات به سمت سیاست هاست یا کل نظام؟ گفت: اعتراض به سیاست هاست و البته اعتراض به روش‌ها و نگاه‌ها. برخی نگاه‌ها برای جامعه آزاردهنده است. برخی صاحبان تریبون مردم را دسته بندی کرده و یک دسته را تحقیر می‌کنند. برخی حرف‌ها نباید زده شود، نباید به منتقدان فحش داد، نباید به مردم توهین کرد. در مقابل باید با مردم پیامبرانه رفتار کرد. اگر برخی حرف‌ها زده نشود، جامعه آرام می‌گیرد. پیشنهاد دیگر من اصلاح زبان است. زبان شامل مجموعه از کلمات، عبارت‌ها و گزاره هاست. اگر به جای زبان تهدید و شماتت، با زبان اخلاق و محبت با جامعه صحبت شود، جامعه احساس آرامش می‌کند. به جای تهدید جامعه، آن‌ها را دعوت به محبت و اخلاق کنید.

زبان خشونت آمیز نیروی انتظامی باید مخصوص کسانی باشد که تخریب می‌کنند

وی با اشاره به این که از زبان بدن نیروی انتظامی خشونت تولید می‌شود، گفت: زبان بدن آن‌ها این گونه است که به معترضان می‌گویند اگر تکان بخورید، می زنیم. معترض هم به دنبال راه دیگری برای اعتراض می‌رود و از این خیابان یا دانشگاه که نیروی امنیتی هست به خیابان یا دانشگاه دیگری رفته و آنجا اعتراض می‌کند. چون معترض تهدید می‌شود، اعتراض هم پایان نمی‌یابد. این در حالی است که زبان خشونت آمیز نیروی انتظامی باید مخصوص کسانی باشد که تخریب می‌کنند نه برای کسی که اعتراض می‌کند.

آن‌ها با خودشان گفتگو گذاشته‌اند

این استاد جامعه شناسی درباره دعوت برخی از مسئولان حکومت به گفتگو با جامعه، اظهار کرد: گفتگو با چه کسی؟ آن‌ها با خودشان گفتگو گذاشته اند. شما تلویزیون را ببینید که با هم گفتگو می‌کنند. در حالی که باید با رقیب و معترض گفتگو کرد. باید آن آدمی که در خیابان معترض است را به گفتگو بیاورند نه این که با رفقای خود گفتگو کنند. این که گفتگو نیست بلکه رد و بدل کردن دوستی هاست.

با براندازان باید به شیوه دیگری برخورد کرد

آزاد ارمکی در پایان با بیان اینکه اگر جامعه احساس کند حکومت به دنبال ایجاد تغییر است، اعتراضات خود را پایان می‌دهد، اظهار کرد: در این شرایط بخش عمده معترضان کنار می‌روند و بخش کمی می‌مانند که به دنبال تغییر نظام هستند و باید با آن‌ها شیوه دیگری برخورد و آن‌ها را مجاب کرد. الان با شرایط تراکم نیروهای معترض مواجه هستیم که آن‌ها لایه لایه هستند. برخی با شیوه مدیریت شهری مشکل دارند، برخی شاید با رئیس جمهور مشکل دارند، یکی ممکن است با روحانیت مشکل دارد، یکی می‌گوید بیکارم و در واقع هر لایه دغدغه خاصی دارد. اکنون خواسته‌های متراکمی جمع شده است، ولی اکثریت با تغییرات محدود که مقدمه تغییرات بزرگ است، کنار می‌روند و بخشی هم هستند که دغدغه فروپاشی دارند که باید در قبال آن‌ها از شیوه دیگری استفاده کرد، ولی با آن‌ها هم نباید به گونه قهرآمیز برخورد کرد.

رکوردشکنی قیمت دلار در دولت اصولگرای رئیسی

بنیامین نجفی

قیمت دلار رکورد زد. در شرایطی که روزهای گذشته بازار ارز در حال عبور از مرزهای مقاومتی جدیدی بود، دیروز دلار آمریکا از مرز ۳۴ هزار تومان عبور کرد و تا قبل از ظهر به ۳۴ هزار و ۳۰۰ تومان و بعد ۳۴ هزار و ۵۰۰ تومان رسید؛ و این قیمت نسبت به روز قبل‌تر تقریبا ۷۰۰ تومان بیشتر بود. برخی از کارشناسان ۳۳ هزار تومان را یک مرز روانی مهم برای دلار می‌دانستند؛ که دیروز دلار رسما وارد کانال ۳۴ هزار تومان شد. این در حالی بود که روز گذشته دلار در صرافی ملی ۲۸ هزار و ۷۱۵ تومان نرخ‌گذاری شده بود که عملا فاصله معناداری با نرخ دلار در بازار آزاد پیدا کرده است. در مورد روند فعلی بازار ارز، کارشناسان عوامل اقتصادی و غیراقتصادی را در جهش دوباره قیمت ارز تاثیرگذار می‌دانند. با وجود اینکه نمی‌توان چشم‌انداز شفافی را برای نرخ دلار در ماه‌های پیش رو داشت اما به نظر می‌رسد افزایش تقاضا و کاهش عرضه از یک‌سو و مبهم ماندن فضای مذاکرات برجامی به عنوان درو پارامتر اقتصادی و سیاسی وضعیت کنونی بازار دلار را شکل داده‌اند. اما این رکوردشکنی در بازار ارز در حالی اتفاق افتاده است که در زمان شروع به کار دولت ابراهیم رئیسی در نیمه‌مرداد ۱۴۰۰، قیمت غیررسمی دلار در بازار ۲۵ هزار و ۵۰۰ تومان بود و دیروز بعد از گذشت بیش از ۱۴ ماه از کار دولت سیزدهم با ثبت قیمت ۳۴ هزا و ۵۰۰ تومان، دلار با رشد نزدیک به ۳۵ درصدی همراه شده است.

تاثیر بلاتکلیفی برجام

هادی حق‌شناس، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «هم‌میهن» درباره وضعیت جدید در بازار ارز و دلایل رکوردشکنی قیمت ارز اظهار کرد: «هر بازاری مثل بازار ارز یک سمت عرضه دارد و یک سمت تقاضا. به‌هر دلیلی وقتی که سمت عرضه ثابت بماند و سمت تقاضا افزایش پیدا کند، این اتفاق منجر به افزایش قیمت کالا می‌شود. حالا این کالا ممکن است یک‌بار ارز باشد و یک‌بار یک کالای دیگر. آن هم از منطق قیمت تبعیت می کند. اتفاقی را که الان در سمت تقاضا افتاده باید در جاهای دیگر هم جست‌وجو کرد. در بازار بورس طی چند هفته گذشته شاخص کل به شدت کاهش پیدا کرده است. بازار مسکن در همین ماه گذشته نسبت به ماه قبل و نسبت به ماه مشابه سال گذشته به لحاظ حجم معاملات به پایین‌ترین سطح ممکن رسیده است. پول از بازار مسکن و سرمایه خارج می‌شود و در کنارش شاهد رشد نقدینگی بیش از ۵ هزار و ۵۹۴ هزارمیلیارد تومانی هستیم و کسب و کارها نیز رونق ندارد. پس نقدینگی نه به سمت بازار و نه به سمت کسب و کارهای مختلف رفته است، چون رونقی وجود ندارد. نه به سمت مسکن و یا بازار سرمایه می‌رود و نه نرخ پول در بانک‌ها متناسب با نرخ تورم تعیین شده است که در آن جا جذب و سپرده گذاری اتفاق بیفتد. در این شرایط نقطه‌ای که نقدینگی می تواند راحت برود، سمت بازار ارز است. در نتیجه، این موضوع، بازار ارز را دچار التهاب کرده و باعث افزایش قیمت شده است. » این کارشناس اقتصادی ادامه داد: «اینها متغیرهای اقتصادی است. باید به اینها متغیرهای سیاسی را هم اضافه کرد. مثل نبود چشم‌انداز احیای برجام و مثل قرار گرفتن ایران در لیست سیاه FATF. اینها هم مثل عرضه نشدن نفت به شکل مستقیم یا بلوکه شدن ارز در خارج از کشور تاثیرگذار است. این موارد متغیرهای سیاسی است که متغیرهای اقتصادی را تقویت می کند و برآیند آن باعث می‌شود بازار ارز ملتهب شود.» حق‌شناس درباره چشم‌انداز نرخ ارز توضیح داد: «تا یکی‌دو ماه آینده نمی‌توان تصویر روشنی ارائه داد. چون احتمالا تا آن زمان تصویر روشنی از احیای برجام و همین‌طور حجم صادرات و واردات وجود ندارد. در هفت ماه گذشته تراز تجارت غیرنفتی کشور منفی سه میلیارد دلار بوده است. اگر این تراز منفی ادامه پیدا کند معنایش این است که تقاضای ارز برای واردات افزایشی می‌شود و تقاضای ارز ملتهب می‌شود. لذا به‌نظر می‌رسد تا حدود دو ماه آینده بازار همین وضعیت فعلی را ادامه دهد.»

روزنامه هم‌میهن

نماینده چابهار:
عاملان حوادث اخیر زاهدان در هر لباس و جایگاهی باید مجازات شوند / از مردم زاهدان دلجویی کنید

معین‌الدین سعیدی: دشمن که کارش دشمنی است، پس هنر مسئولین کجاست؟ آبروی نظام را با چند مسئول نامسئول گره نزنید؛ آنانی که هم به مردم جفا کردند و هم به نظام؛ ندای مردم داغدار استان را بشنوید و از آنها دلجویی کنید. اجازه ندهید غفلت بر وحدت غلبه کند و به دشمن بگویید که آرزوی تجزیه ایران را به گور خواهد برد./ ایسنا

٤ میلیون مسکنی که رئیسی وعده داده ٤ ساله ساخته نمی شود، ٤٠ سال زمان می خواهد!

– وعده «یک میلیون خانه در سال» را اگر همه «شرکت‌های برند ساختمانی» هم دست به دست دولت بدهند تا روی زمین بیاورند، با شرایطی که برخی عوامل ایجاد کرده‌اند و ظاهرا مسوولان ارشد نیز از آن بی‌خبر هستند، بعید است در ظرف زمانی تعیین شده تحقق پیدا کند چون یکی از همین برندها بعداز ۱۰ ماه حضور در طرح تولید مسکن میلیونی، توانسته فقط ۲ درصد پیشرفت فیزیکی در ابرپروژه‌اش حاصل کند.

– این سرعت لاک‌پشتی به معنای آن است که یک میلیون مسکن دولتی به جای اینکه در یک سال ساخته شود ممکن است در صورت پابرجا بودن مشکلات و ناهماهنگی‌های موجود در ۴۰ سال احداث شود. / دنیای اقتصاد

غلامرضا خضری، مدرس بازیگری، نویسندگی و کارگردانی تئاتر در بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

هنرمندان جوان را فراموش نکنید...

لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– من غلامرضا خضری، نویسنده و کارگردان و سرپرست گروه هنری کلاغها و مدرس بازیگری، نویسندگی و کارگردانی کارگاه فرهنگسرای رمضان امیری، متولد ۲۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۴ در بوشهر، مدرک تحصیلی من لیسانس روان‌شناسی است.

چه شد که به هنر و تئاتر علاقمند شدید؟

– از روی علاقه‌ای که به تئاتر داشتم حدود ۲۰ سال پیش خدمت استاد حسین دهقانی بودم و نزد ایشان دوره مقدماتی بازیگری و کارگردانی را گذراندم و من هرچه در تئاتر و زندگی هنریم دارم از علم و حضور ایشان در زندگی من است و ایشان در حوزه هنری بوشهر به ما تئاتر را آموزش می دادند و از کارهای کوتاه شروع کردیم و به کارهای بلند رسیدیم .

مورد دیگری را که بخواهم ذکر کنم و درمورد خودم باشد درباره محله شکری است که بسیاری از نامداران تئاتر بوشهر و حتی کشور را در خودش جا داده است. به علت وجود تعزیه و هنرهای نمایشی مذهبی در این محله اساتیدی چون استاد ایرج صغیری، برادران لطفی و ... در خود پرورانده است.

در زمینه بازیگری چه دوره هایی دیده اید؟

۲۰ سال پیش من تئاتر رو شروع کردم... دقیقا سال ۸۱ و بعد از آن که زیر نظر استاد حسین دهقانی فعالیت خودم رو شروع کردم. با اساتیدی دیگری دم‌خور شدم و کار کردم و آموزش دیدم... افراد بزرگی چون استاد ایرج صغیری، دکتر کوپال، استاد پیام لاریان، استاد کوشک جلالی، دکتر مسعود دلخواه، استاد فرید میرشکار و تمام کارگاه های بازیگری که در دانشگاه برگزار می شد توسط دکتر شهبازی و ... را ما شرکت می کردیم.

در بازیگری من به خواندن کتاب و مطالعه کردن ایمان دارم، من به جرات می توانم بگویم به سختی تمام کتاب های مرجع بازیگری از متد های مختلف مثل متد اکتینگ، از لی استراسبرگ، استانیسلاوسکی، اوتا هاگن، سنفورد مایزنر، استلا ادلر و ... خواندیم و برای خودمان دوره تعریف کردیم. اولین نمایشی که کار کردم به نام سیاه، سفید، خاکستری بود و بعد نمایش های زیادی را در سبک های مختلف چه مذهبی چه ایرانی، کلاسیک و ... کار کردم. نمایش های بعد از نمایش سیاه، سفید، خاکستری کار کردم رو بخوام بهتون بگم، نمایش مردان خدا، تشنه لب، تفنگ سرپر گلچهره، به زمین سپرده، خانه متروک، مجنون، هملت کوچه بازاری، پروانه الجزایری و تفنگ خیال ...

در سوابق کاری ما برای اولین بار در بوشهر، دو دوره جشنواره تئاتر به زبان انگلیسی کار کردیم که نمایشنامه های شکسپیر بزرگ را در اماتورژ کردیم و کار کردیم با زبان آموزان موسسات زبان بوشهر خدمت تان عرض کنم که یک دوره جشنواره تئاتر کارگاهی رو برگزار کردیم که امسال دومین دوره را برگزار خواهیم کرد.

در مورد سوابق هنری، شرکت در جشنواره فجر، شرکت در پنج دوره جشنواره تئاتر خلیج فارس معلولین، شرکت در جشنواره منطقه‌ای، شرکت در جشنواره خیابانی با نمایش خاک و ... که متاسفانه حضور ذهنی دقیقی ندارم . خوب بالاخره ۲۰ سال از عمرمون را پای این هنر مقدس گذاشتیم و امید که زنده باشیم و بتوانیم باز هم فرزندان این مرز و بوم را پرورش بدهیم و روی صحنه ببریم.

چند سال و در کجا در زمینه آموزش بازیگری فعال هستید؟

– چهار سال پیش به عنوان مدرس بازیگری به مجموعه فرهنگسرای امیری اضافه شدم و قبل‌تر ما به صورت آزاد کار می کردیم و در مکان هایی که به ما می دادند بازیگر پرورش می دادیم و بازیگرها را به روی صحنه می بردیم ولی ۴ سال به صورت خیلی حرفه ای در فرهنگسرا امیری مشغول کار هستیم و پرورش بازیگران مختلف رو داریم و گروه و کارگاه ما فقط از بازیگرانی که خودش پرورش داده استفاده می کنه و روی صحنه می برد.

علاقمندان به تئاتر چه ویژگی هایی برای موفقیت باید داشته باشند؟

–من فکر می کنم بحث علاقمندی به تئاتر یه قسمتی در خون انسان هست و برای این که عاشق صحنه و یک تئاتری باشی باید حتما در وجود تو یک حس زندگی باشه و زندگی مثل تئاتر و تئاتر مثل زندگی و تو باید عاشق این باشی که هر روز خودت رو جای شخصیت های مختلف قرار بدهی و بتوانی جای آن ها زندگی کنی و من از ۱۴،۱۵سالگی عاشق این هنر بودم و دنبال می کردم چه فیلم های مختلف و چه تئاترهای مختلف ولی متاسفانه در دوره که ما علاقه‌مند شدیم و شروع کردیم، پدر و خانواده مخالفت شدید داشتن با هنر تئاتر و حالا با تفکراتی که داشتند تئاتر را مانع درس و پیشرفت ما می دانستند و کلا کار بیهوده‌ای می دانستند ولی ما با پافشاری خودمان و ماجراهای زیادی که داشت که خودش یک تئاتر به حساب می آید، توانستیم خودمان را ثابت کنیم و بیایم جلو و تا می توانیم از خیلی از چیزها بگذریم و خودمان را به صحنه برسانیم و علاقه‌مندی من به تئاتر برمی گرده به خیلی از بزرگان تئاتر که در بوشهر بودند و هستند ... یکی از آن علاقه‌مندی ها،



دیدن تعزیه در ماه محرم و صفر بود که حالا بزرگان زیادی مثل آقای فیروزی، آقای امیری و خیلی از بزرگان دیگه که حالا یا کارگردانی می کردند و یا بازی می کردند و من همیشه دوست داشتم یک روزی جای آقای فیروزی نقش شمر را بازی کنم و علاقه زیادی به این هنر داشتم، من عاشق خواندن و نوشتن بودم.

در خانواده ما، من همیشه یک قلم و کاغذ دستم بود و شروع می کردم به نوشتن خاطرات روزانه و داستان هایی را که در ذهن خودم تخیل می کردم روی کاغذ می آوردم که متاسفانه آن موقع ما رو جدی نمی گرفتند و خانواده مشوق ما نبود و حتی جامعه، جامعه ای نبود که تئاتر به شکل یک هنر دیده بشود و ما این ها را از همان موقع می نوشتیم و یا بعضی از وقت ها من مجبور می شدم نقش ها را بازی در بازی کنم و تمام تفریح و بازی های کودکانه من خلاصه می شد در این بازی در بازی های تخیلاتم.

از میان کارگردانان بوشهر کار کدام را بیشتر می پسندید؟ و چرا؟

از میان کارگردانانی که متاسفانه دیگر کار نمی کنند مسلما استاد ایرج صغیری نمی شود از قلندرخانه ایشان گذشت و حتی مهپلنگ که متاسفانه فیلم کامل آن هم نیست و حالا نسل نو دیگری که آمدند، رامتین بالف، دکتر حیدر مظفری و اسماعیل ملاح جوان و دوستان دیگری که فعالیت می کنند، کارهای این دوستان را من خیلی می پسندم و دلایل زیادی دارد و یکی از دلایل آن، انتخاب موضوع های روز جامعه، استفاده از آیین های بومی ما و به‌روز کردن آیین ها وشیوه اجرای به روز و حتی گاها اوانگارد بودن آن ها و ... .

از میان بازیگران تئاتر بوشهر (مرد و زن) کار کدام یک را می پسندید و چرا؟

روزنامه‌نگاری مستقل در تنگنا

حسن نمکدوست استاد علوم ارتباطات در گفت‌وگو با هم‌میهن در خصوص محدودتر شدن روزنامه‌نگاران در بحران اخیر می‌گوید: «در تمام این سال‌ها جز اشتباهات مکرر و مهلک‌تر در رفتار با روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها چیزی مشاهده نکردیم. همیشه رفتاری مبتنی بر رفتارهای دور از منافع ملی و غیراصولی با روزنامه‌نگارها صورت گرفته است و جای اصلاح، وضعیت بحرانی‌تر شده است. در حقیقت عده‌ای همه نظام رسانه‌ای ایران را براساس منافع خودشان تعریف می‌کنند و این تعاریف، آنها را از مردم جدا کرده است.»

نمکدوست در پاسخ به این سوال که آیا مسئولان چنین رفتاری را اصلاح می‌کنند یا خیر گفت: «درحال حاضر به جای اصلاح مسیر، به دنبال افرادی می‌گردند که تقصیری ندارند و با شکستن کاسه و کوزه سر این افراد که وظیفه اطلاع‌رسانی یک واقعه را داشتند، می‌خواهند تحلیلی ارائه دهند. افکار عمومی می‌داند چنین رفتارهایی صرفا بهانه‌جویی است.»

این استاد علوم ارتباطات همچنین معتقد است یکی از دلایلی که مردم دیگر به رسانه‌های داخلی اعتماد ندارند و توجه به رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور افزایش پیدا کرده، همین فشارهایی است که در روزهای اخیر رخ داده و سانسور افزایش پیدا کرده است: «متاسفانه چیزی از رسانه باقی نمانده که از این بدتر شود. آن قدرتی که می‌خواست قدرت رسانه‌های مستقل تضعیف و مرجعیت رسانه‌های مستقل نابود شود، بسیار موفق عمل کرده است. اما باید توجه داشت که این ریشه به تیشه زدن، تاوان دارد. با سیاست‌های نادرستی که داشتند؛ با حذف روزنامه‌نگارهای مستقل، با توقیف و تعطیلی، مرجعیت روزنامه‌ها گرفته شده است. تاوان با چه چیزی پس داده می‌شود؟ با توجه و گوش دادن مردم به رسانه‌های خارج از ایران. همچنین رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران نیز آن حرفه‌ای‌گری که دوستان خبرنگار ما در رسانه‌های داخل کشور داشتند را ندارند. هر روزنامه‌نگاری که به حقیقت پایبند بود بیشتر تنبیه شد و الان در وضعیتی هستیم که در هیچ حوزه‌ای نمی‌توان به صورت تحقیقی مطلبی را پیگیری و منتشر کرد.»

ما روزنامه‌نگاران در رنجایم

مهدی افروزمنش

ما روزنامه‌نگاریم، کارمان نوشتن و تخصص‌مان روایت کردن و نمایاندن است اما شگفتا که به همین سبب مستحق رنج‌ایم. رنج بیکاری‌های کوتاه و بلندِ ناشی از توقیف‌های مکرر، رنج هر روز گذشتن از سد سدید سانسور، رنج احضارها، اخطارها و انذارها و این روزها، رنج بهتان‌ها. ما روزنامه‌نگاریم و همکاران‌مان به خاطر تلاش برای بهتر انجام دادن حرفه‌شان در زندان به سر می‌برند. گناه‌شان روایت ماجرایی رخ‌داده در رسانه‌های رسمی کشور است. هرکدام ما می‌توانست، جای روزنامه‌نگاران و عکاسان خبری بازداشتی، امروز در زندان باشد و این رنجی است مازاد که به نظر می‌رسد جرم فقط روزنامه‌نگاری است. ما روزنامه‌نگارانیم که پیشتر به دریافت چمدان‌چمدان دلارهای آمریکایی متهم شدیم و امروز به همکاری با کشورهای مافیایی. ما در رنج‌ایم، خواه به دلیل توپ مهلک باشد، خواه تیر مضحک، اولین پیکان حملات رسمی به سمت روزنامه‌نگاری گرفته می‌شود. شرایطی است که دیگر نه فقط نگران توقیف روزنامه و از کف رفتن آنچه با خون دل ساخته بودیم که مضطرب بازداشت‌های گاه و اتهامات بیگاه هستیم. برای هیچ‌کدام ما قطعی نیست شب هر روز کاری را در گوشه تنگ و تاریکی سلولی به سر نبریم و این ناامنی، قصه پرغصه هرروز است.

با این‌حال، ما روزنامه‌نگاریم و روزنامه‌نگار می‌مانیم. رنج‌ها را تاب آورده و دوباره تاب خواهیم آورد. زندان‌ها را دیده و دوباره به دیده خواهیم آورد که باور داریم این زمانه برآمده از اراده خواستِ زندگی، بیش‌ازپیش نیازمند روایت است و روایتگری تخصص ماست.

ما به‌رغم تمام رنج‌های وارده و اتهامات صادره دوباره روزنامه‌ها را منتشر خواهیم کرد تا ودیعه رسیده از دست صوراسرافیل‌ها و دهخداها را ولو با چشمی پرآب و دلی پرخون به دست نسل‌های آینده بسپاریم. ما روزنامه‌نگاریم و تحمل خواهیم کرد و روایت خواهیم کرد و خواهیم خندید و دعا خواهیم کرد «فاقصُصِ القَصَصَ لعلَهُم یَتفَکرُون» و ورای دیوارِ زندان‌ها روزنامه‌نگار خواهیم ماند.



– ما در بوشهر بزرگان زیادی را داشتیم و داریم و اسم آوردن شاید کار اشتباهی باشد، از شادروان حمید لطفی، شادروان رمضان امیری بزرگ، جهانشیر یاراحمدی، فرشید تربیت، مهدی ضیغمی نژاد و ... و خانم ها، شهره عباس‌زاده و محب زاده و ... من نمیتوانم متاسفانه اسم بیاورم جون سلیقه‌ام جوری هست که این بزرگان در نمایش های مختلف خوش درخشیدند.

اگر که اجازه بدهید من نام چند بازیگر تئاتر را از کارگاه بازیگری کلاغها رو بگم که کار می کنند و دانشگاه بازیگری در تهران می خوانند و در جشنواره فجر شرکت کردند و نسل آینده تئاتر بوشهر را شکل داده و می دهند: در بین بازیگران مرد در کارگاه کلاغها: احمد پورک، علی عباسی نوه حاج رمضان امیری، محمدمحمدپور و حمیدرضا دست پیمان که امیدوارم بتوانند ادامه بدهند و خوش بدرخشند.

در بین بازیگران خانم در کارگاه کلاغها: نرجس گرمازاده، زهرا باقرزاده، زینب نجفی، ساحل صالحی و نرجس سامری.

الگوی شما در تئاتر در بوشهر و ایران چه کسی است؟

– بدون شک استاد مسلم تئاتر بوشهر ایرج صغیری را می دانم ولی الگوی من همیشه در اخلاق و در تواضع و در علم تئاتر بعد از استاد ایرج صغیری بدون شک استاد حسین دهقانی هستند. ولی شاید بی انصافی باشد که نام نبریم از استاد حاج رمضان امیری که تئاتر و مجتمع فرهنگی بوشهر رو زنده نگه‌داشتند و این عزیزان الگو و اساتید بنده هستند و خواهند بود. البته من خاک پای تک تک بزرگان تئاتر شهرم، بوشهر هستم و شاگرد همیشگی تئاتر هستم و خودم رو فقط یک شاگرد می دانم که یک سری مسائلی را یاد گرفته و اون را باید انتقال بدهد. من جایگاه فعلی خودم و گروه نمایشی کلاغها که در تئاتر بوشهر دارد را با بازیگران جوانش، مدیون سرکار خانم پریسا امیری، فرزند استاد رمضان امیری می دانم که ما چهار سال و نیم هست که به صورت حرفه‌ای تمامی کارگاه های تئاتر را در فرهنگسرا رمضان امیری و با پلاتو اختصاصی برگزار می کنند. ما تمامی متدهای مختلف را به صورت تئوری و عملی آموزش می دهیم چرا که من اعتقاد دارم که تئاتر علمی است توام با عمل، ببینید علاقه‌مندان به تئاتر باید حتماً اول خارج از بحث علاقه، پشتکار خیلی مهم هست و دقت کنید خیلی ها استعداد ناب دارند و علاقه خوبی دارند ولی متاسفانه پشت کار ندارند و این که تئاتر اولویت اول ما باشد تا بتوانیم در اون موفق باشیم. البته که در هر هنری شما اگر اولویت‌تان باشد و به دنبال آن علاقه و استعداد و پشتکار بیاید، بدون درنگ شما موفق هستید.

اوضاع و احوال نسل جدید تئاتری های بوشهر چگونه است؟

– در مورد نسل جدید تئاتر بوشهر، فضای اقتصادی و فرهنگی جامعه، درست است که فضای فرهنگی نسبت به سال های اولی که ما شروع کردیم بازتر است ولی فضای اقتصادی جامعه خیلی از تئاتری های قدیمی را خانه‌نشین کرده و دیگر شاید اجرای آزاد و شرکت در جشنواره ها از لحاظ وقت و هزینه مفید و به سود یک هنرمند تئاتر نباشد ولی نسل جدیدی که آمدند، این افراد عاشق و دل‌سوخته‌اند و ما به آن ها تعهد و اخلاق را یاد می دهیم و این ها نسلی هستند که امکانات بهتری در اختیار دارند، نمونه ای از آن ها: هر کتابی که بخوان در اختیارشون هست که در زمان ما این نبود، کلاس مختلف در شاخه های مختلف تئاتر با اساتید مختلف، امکان سفر کردن، دیدن نمایش های مختلف در سطح کشور و این نسل اگر که بخواهند می توانند حتی جلودارتر از نسل قدیم تئاتر پیش بروند و از ماها و قدیمی تر از ماها جلوتر باشند. تئاتر بوشهر باید قبول کند که نسل جدیدی که آمدند خیلی مشتاق تر و همراه با علم و توان جوانی جای نسل قدیم را فرا می گیرد و گرفته و باید توسط پیشکسوتان و بزرگان این عرصه حمایت شود، تا بتوانند چراغ تئاتر را زنده نگه دارند و ادامه دهنده راه بزرگواران باشند.

سایه سنگین نسل قدیمی تئاتر بوشهر همواره بر روی فضای فرهنگی و هنری وجود دارد. چرا دیگر شاهد چنین بازیگران و هنرمندان توانا در عرصه تئاتر بوشهر نیستیم؟

– من با سوال شما موافق نیستم، بی شک هنرمندان قدیمی تئاتر بوشهر همیشه خواهند ماند و همیشه بزرگ و ماندنی و ماندگار هستند، این بزرگان چهره های ماندگار تئاتر استان هستند و شخصی حق انکار این را ندارد ولی این که دیگر ما هنرمند توانایی به اندازه آن بزرگان نمی‌بینیم، بنده موافق نیستم، آیا ما همچنان که از آن بزرگواران در فضای رسانه‌ای حمایت کرده، آیا از این دوستان جدید هم حمایت می کنیم؟برای مثال هفته نامه شما و یا رسانه های خبری چندین بار با هنرمندان جدید و جوان استان همکاری کردند، خبری و یا مقاله ای نوشته شده است و یا حتی نقدی نوشته شده بر کارهای این دوستان؟ و ما شاهد این موضوع هستیم که هنوز در هفته‌نامه ها، روزنامه ها، سایت های خبری ما هنوز از هنرمندان پیشکسوت می گویند ولی از جوان ها متاسفانه گفته نمی شود و هنرمندان جدید ما می روند در سطح کشور جایزه می گیرند و افتخارآفرین هستند ولی متاسفانه در بایکوت خبری هستند و من خوشحالم که شما این راه را شروع کرده‌اید و هنرمندان جدید هم معرفی بشوند و من بحث شاگردانی، هنرجویان و یا بازیگرانی را دارم که الان دیگر نام بازیگر را به روی خود دارند که متاسفانه از آن ها در فضای رسانه ما خبری زده نمی شود.

به نظر می رسد تئاتر بوشهر از سابقه درخشان خود عقب نشسته است و ارتباط چشمگیری با جامعه برقرار نمی کند؟

– دقت بفرمایید در کل کشور این مسئله وجود دارد که نه تنها بوشهر چندین جشنواره در سالهای خیلی دور برگزار می شد ولی الان دیگه جشنواره برگزار نمی شود، الان دیگه مسئله‌ای پیش برده نمی شود و جشنواره ها محدود شده و همچنین امکاناتی که باید باشد نیست، نگاه به مجتمع فرهنگی کنیم، آیا شما در آن جا دیگر امکاناتی را می بینید؟ آیا شما در فضای هنری‌ای که وجود دارد مسائل و مواردی را می بینید که هنرمند را با این وضعیت اقتصادی حمایت کنند؟ آیا هنرمند می تواند دغدغه نان را کنار بگذارد و بیاید به جشنواره ای خودش را مشغول کند که در آن مقام آوردن در این جشنواره فقط برای هنرمند هزینه داشته باشد. بله هزینه های اقتصادی هنر و هنرمند را نابود می کند.

به نوجوانان و جوانانی که علاقمند به بازیگری در تئاتر هستند چه توصیه ای دارید؟

– خوب برای جوان ها توصیه‌ام این است که خسته نشوند و روحشان را آزاد کنند توسط هنر تئاتر، هنر پاک و مقدس و بیایند و فعالیت کنند با تمام ناملایماتی ها... حتماً باشند و حضور داشته باشند و پای ثابت این ماجرا باشند و پیش قدم باشند اخلاق را فراموش نکنند که از هنر تئاتر اخلاق می ماند و بس، امیدوارم که بتوانند در هنری که می تواند به آنها زندگی یاد بدهد موفق باشند و تندرستی رو برایشان آرزومندم.

افق پیش روی تئاتر بوشهر را چگونه می بینید؟

– افقی که برای تئاتر بوشهر می بینم به این شکل هست که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم با تمام بی امکاناتی ها و ناملایمتی ها، جوانان این شهر پرچم این هنر را به دست خواهند گرفت و جلو خواهند برد و با وجود این که دیگر در بوشهر شاید به ظاهر و به شکلی تئاتر دیگر وجود نداشته باشد ولی آینده این هنر در دستان جوانان این شهر است، پس شما به عنوان یک رسانه و دوستان دیگر در هرجایی که رسانه‌ای رو در دست دارند باید از این جوان ها حمایت کنند تا آن ها بتوانند بهترین ها را برای این شهر و مرز و بوم رقم بزنند

سخن پایانی؟

– من رضا خضری، بیست سال از عمر و جوانیم را پای این هنر مقدس گذاشتم که جوان های شهرم پرورش پیدا کنند و آن را در شهر ها و حتی کشور های مختلف ببینم که هنر تئاتر را دنبال می کنند و با موفقیت هایشان ما را خوشحال می کنند. خواستم بگم که تئاتر مثل زندگی و زندگی هم مثل تئاتر است و کاش همه ماها بهترین نقش ها را روی صحنه زندگی و روی صحنه تئاتر بازی کنیم تا یاد و خاطرات ما به هیچ عنوان از ذهن تماشاگرانی که ما را دیدند چه در زندگی و چه در تئاتر فراموش نشود. ممنونم از این که بالاخره یک جوان بوشهری را دریافتید و از وی حمایت می کنید.

هنرمندان جوان و بچه های کارگاه کلاغ ها و فرهنگسرا رمضان امیری را فراموش نکنید آنها توانسته‌اند برای شهرمان افتخار آفرین باشند، پس حمایت شما از نان شب هم برای این بچه ها واجب تر است. هنرمندان جوان را فراموش نکنید... .

خشونت‌پرهیزی و توجه به آن

افزایش خشونت در کشور در پی اعتراضات اخیر موجی از نگرانی‌ها را به‌ویژه در میان دلسوزان نظام ایجاد کرده است. در بیانیه‌ها و پیام تسلیت‌هایی که در پی همین حادثه منتشر شد؛ بسیاری به نفی خشونت رخ‌داده در این حادثه پرداختند؛ از مسئولان نظام گرفته تا همه چهره‌های سیاسی که دست به انتشار چنین پیام‌هایی زدند و بودند افرادی مانند محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین که در کنار خاتمی ضمن محکومیت این حادثه تروریستی همه خشونت‌های این ۴۰ و اندی روز را محکوم کردند و درباره این خشونت‌های صورت‌گرفته و عواقب آن هشدار دادند. چنانچه ظریف در توئیت خود نوشت:«امروز خانواده‌های بسیاری سوگوار قربانیان بی‌گناه خشونت بزدلانه تروریستی در بارگاه شاهچراغ شیراز و جان‌باختگان خشونت‌های هفته‌های اخیر از تهران تا زاهدان و از مشهد تا کردستان‌اند. به‌راستی ایران ما سوگوار است؛ و نیز همه کسانی که دل در گرو این آب و خاک و این مردم دارند، در سوگ گل‌های پرپرشده و فراتر از آن در سوگ فرهنگ بردباری، رواداری و مهربانی – که رسم دیرین این دیار و آئین‌مان بوده است – نگران فراگیری خشونت و نفرت و فراموشی گفت‌وگو و شفقت، همراه با آتش‌افروزی بدخواهان این مردم و این سرزمین‌اند.»

البته در این میان بسیاری که منتقد سکوت این روزهای چهره‌های سیاسی به‌ویژه اصلاح‌طلبانی که تا سال‌ها پیش مدعی داشتن پایگاه اجتماعی قابل‌قبول و مطلوبیت در میان عموم بوده‌اند؛ بر این موضوع نقد دوم وارد کردند که «چرا انقدر دیر؟» آنجا که حادثه سیستان و بلوچستان رخ داد یا آن زمان که خبر کشته شدن بسیاری در پی اعتراضات رسانه‌ای شد؛ معدود چهره‌های سیاسی به‌ویژه در میان اصلاح‌طلبان اظهارنظری کردند. اگرچه درباره خاتمی پیام تسلیت در پی مرگ مهسا به سرعت در رسانه‌ها وایرال شد و اگرچه در این بین افرادی مانند حسن روحانی، ناطق نوری، محمود احمدی‌نژاد و بسیاری از چهره‌های طیف‌های مختلف اصولگرایی و چپ جدید هم سکوت کردند، اما پس از آن و تا دیروز پیام و واکنش دیگری صورت نگرفت (البته با وجود واکنش‌های گسترده، ناطق نوری و احمدی‌نژاد همچنان در سکوت به سر می‌برند). بنابراین در این بین مهمترین چهره‌های شاخص خارج‌شده از جمع ساکتین، روحانی و خاتمی بودند.

روحانی: با گفت‌وگو می‌توانیم مشکلات را حل کنیم

حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق طی بیانیه‌ای این اقدام تروریستی را محکوم کرد. در متن این پیام آمده است: «جنایت تکان‌دهنده در حرم حضرت احمد بن موسی (شاهچراغ) که به شهادت و مجروح شدن عده‌ای از هموطنان عزیزمان منجر شد، یک‌بار دیگر چهره کریه تروریسم را عیان کرد؛ تروریسمی که از ابتدای انقلاب تا امروز در ادوار و اشکال مختلف هزاران نفر از ایرانیان را شهید کرده و این‌بار خردسال و سالخورده و زن و مرد نمازگزار در حریم امن عبادت را هدف گرفته است. هدف از این قبیل اقدامات غیرانسانی، تهدید امنیت و آرامش مردم است، امنیتی که ثمره خون شهدای والامقام دفاع مقدس و شهیدان راه عزت و استقلال ملت ایران است. امنیتی که حافظ جان و ناموس همه مردم ایران، از شیعه و سنی و همه اقوام ایران است. هر نوع خدشه به این اصل مهم و حیاتی می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای تمامیت ارضی و استقلال ایران به‌بار آورد. امنیت ملی اما صرفاً با توسل به ابزار نظامی و انتظامی حاصل نمی‌شود؛ همه اقشار و آحاد ملت در تأمین و تضمین امنیت مسئول و مؤثرند؛ امنیتی که باید ضامن حفظ حیات، تأمین معیشت و تضمین آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم هم باشد.» در بخش دیگری از این پیام آمده است: «هدف تروریست‌ها، تنها جنایت و ارعاب نیست، بلکه یکپارچگی و اتحاد مردم را هم نشانه می‌گیرند و سعی در دودستگی و شکاف در ملت دارند؛ نباید گذاشت که در گام بعدی به هدف خود برسند. این جنایت نباید سبب شکاف در ملت ایران و تشدید اختلافات دشمن‌خواسته گردد، چون تک‌تک مردم ایران از هر نوع خشونت نفرت دارند و ما می‌توانیم با گفت‌وگو درون ایران اسلامی مشکلات خود را حل کنیم. افراطی‌گری نتیجه‌ای جز خشونت به‌بار نمی‌آورد و تشدید خشونت، انسجام و امنیت ملی را به خطر می‌افکند. اسرائیل و آمریکا که خود به‌وجودآورنده و پشتیبان گروه‌های ترور از جمله داعش برای ایجاد تفرقه و خونریزی در منطقه بوده‌اند و وابستگان به آنان هرگز نمی‌توانند دلسوز ایرانیان با هر گرایشی باشند و بی‌شک از هر فرصتی برای تعمیق شکاف ملت و دولت استفاده می‌کنند. ایران اما نه فقط منادی این امنیت در داخل مرزهای خود که در منطقه و جهان است؛ چنان‌که پیشنهاد ایران برای «جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری» که سال ۱۳۹۲ در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد، در قطعنامه‌ای با رأی قاطع نمایندگان ۱۹۰ کشور جهان مورد تصویب و تأکید قرار گرفت؛ چراکه این پیشنهاد نه یک آرزو یا ایده، که یک ضرورت برای جهان امروز است. اینجانب ضمن ابراز تسلیت و همدردی با خانواده شهدا و مجروحان این حادثه تلخ و مردم غیور فارس و ملت شریف ایران و محکومیت هر نوع خشونت و ترور در هر شکل و بهانه‌ای، از خدای عزت‌آفرین، امنیت و سربلندی و پیشرفت ایرانیان و رفع موانع توسعه و ارتقای جایگاه ایران عزیز را خواستارم.»

۶ سکانس از بلای فیلترینگ بر سر اقتصاد

از ورشکستگی کسب و کارهای اینترنتی تا افزایش بیکاری

ابتکار نوشت: تابستان سال گذشته و در شرایطی که حرف وحدیث‌ها پیرامون طرح صیانت از فضای مجازی گرم بود، فیلمی از گفته‌های سید ابراهیم رئیسی، در حراست از کسب و کارهای اینترنتی دست به دست می‌شد. رئیسی در این مقطع که رئیس جمهوری منتخب بود، با رد اتهامات مبنی بر تلاش او برای بستن و محدودسازی فضای مجازی، از کسب وکارهای مجازی و البته اینستاگرام حمایت کرده بود.

رئیس جمهوری در این فیلم می‌گوید: «فضای مجازی زمینه کسب و کار مردم است. فضای مجازی امروز ابزار کار مردم شده و از این طرق کسب درآمد می‌کنند. آیا کسی می‌آید محل درآمد مردم را تعطیل کند.» او حتی در حمایت از فضای مجازی از دیدگاه مثبت خود و خانواده‌اش نیز سخن به میان آورده و گفته بود: «دختران من خیلی وقت‌ها از طریق این فضا خرید می‌کنند، می گویند هم ارزان‌تر است هم راحت‌تر است، هم می‌توانیم به کالای مناسب دست پیدا کنیم.»

این اظهارات رئیس‌جمهور منتخب در مرداد ماه ۱۴۰۰ نویدبخش دو پیام مهم بود. اول این‌که دولت جدید بر خلاف آن‌چه تبلیغ می‌شد مخالف محدودسازی فضای مجازی و فیلترینگ نیست و دوم این‌که دولت و سیاست‌مداران کشور روند دیجیتال شدن و ماهیت اقتصادی در عصر جدید را پذیرفته‌اند. اما بر خلاف این تصورات در فاصله تنها ۱۵ ماه از این اظهارات سید ابراهیم رئیسی در یک ماه و نیم گذشته شاهد فیلترینگ و محدودسازی اینترنت هستیم. هر چند وقوع ناآرامی‌ها اخیر کشور و مسائل امنیتی، بانی اصلی محدودیت‌های اخیر بوده‌اند، اما مساله این است که قراین و شواهد از ادامه‌دار و بلندمدت بودن، این وضعیت حکایت دارند. یعنی گامی رو به عقب نسبت به پذیرش واقعیات اقتصاد دیجیتال شده یا در مسیر دیجیتالیزه شدن مناسبات در سطح کلان برداشته شده است. البته این گام آن‌چنان که بسیاری از متخصصان حوزه‌های مختلف تاکید و تصریح کرده‌اند، پیامدهای منفی بسیاری را برای اقتصاد کشور به همراه دارد که در ادامه گزارش حاضر به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

سکانس اول – ورشکستگی کسب و کارهای اینترنتی

اولین و مشهودترین تاثیر فیلترینگ و محدودسازی اینترنت طی یک و نیم گذشته، تاثیر منفی مستقیم، عمیق و البته مخرب بر کسب و کارهای اینترنتی است. از همان روزهای ابتدایی آغاز دور جدید فیلترینگ در کشور آینده کسب‌وکارهای اینترنتی به دغدغه‌ای جدی در کشور تبدیل شد. در همان هفته‌های ابتدایی گزارشی از سوی مرکز آمار ایران منتشر شد که در آن عنوان شده بود: «۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار فروشنده اینترنتی در ایران فعال و معیشت ۱۱ میلیون نفر وابسته به کسب‌وکار مجازی است.» در این بین، بر اساس گزارش‌های ارائه شده، بیشترین تاثیرات فیلترینگ بر اینستاگرام بوده است؛ چرا که این پلتفرم تا ۸۰ درصد (۹ میلیون) بر بازار دیجیتال مارکتینگ را در اختیار دارد. در همان هفته‌های اول گزارش «سازمان نظام صنفی رایانه‌ای تهران» از کاهش فروش تمامی شرکت‌ها در نتیجه فیلترینگ خبر داد. به‌گونه‌ای که عنوان شد بیش از ۴۱ درصد شرکت‌ها ۲۵ تا ۵۰ درصد درآمدشان را از دست داده و ۴۷ درصد آن‌ها بیش از ۵۰ درصد کاهش فروش داشته‌اند. همچنین، ۵۳ درصد مشاغل از ۵۰ و ۲۱ درصد ۵۰ تا ۱۰۰ و ۱۸ درصد از خسارت بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومانی در روز گزارش داده بودند.

در همین مقطع برآورد شد که فیلترینگ‌های اخیر اشتغال سه ونیم میلیون نفر را با چالش و بر زندگی ۱۰ میلیون نفر اثرگذار بوده است. حتی «نت بلاکس «مرجع جهانی رصد اینترنت نیز ضرر هر ساعت قطع دسترسی به اینترنت بین‌الملل در ایران را ۱.۵ میلیون دلار ارزیابی کرد که اگر این رقم ضرب در ۲۴ ساعت شود به رقم بزرگ ضرر ۳۶ میلیون دلاری در روزه خواهیم رسید.

سکانس دوم – تاثیرات مخرب بر رشد و توسعه اقتصادی کشور

امروزه در سطح جهانی به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته اقتصاد دیجیتال یا بازاریابی دیجتال به بخش غیرمنفک و غیر قابل انکار جامعه تبدیل شده است. بنابر گزارش روزنامه شرق در ۵ آبان، بیش از پنج میلیارد نفر یعنی ۶۳ درصد جمعیت جهان از اینترنت و دو میلیارد سایت استفاده می‌کنند و این تعداد با نرخ رشد سالانه شش درصد (روزانه بیش از ۷۰۰ هزار کاربر جدید) همچنان در حال افزایش است.

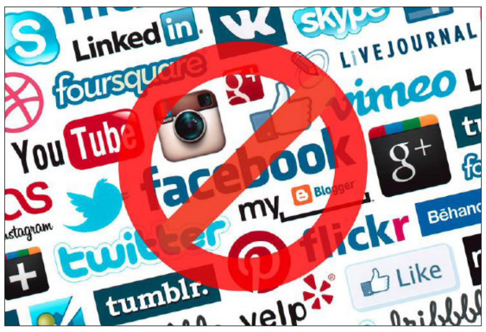
در ایران ۸۵ میلیون نفری، تعداد کاربران اینترنت از ۷۲ میلیون نفر عبور کرده و بیش از ۵۵ درصد در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها فعالیت دارند که نسبت به سال قبل حدود ۱۰ درصد رشد داشته است. اینستاگرام با ۴۸ میلیون کاربر و واتس‌اپ با حدود ۵۲ میلیون کاربر، به ترتیب محبوب‌ترین شبکه اجتماعی و پیام‌رسان در ایران محسوب می‌شدند. تلگرام نیز ۵۰ میلیون کاربر ایرانی دارد.

اما باید توجه داشت که فارغ از ارتباطات اجتماعی و حوزه سرگرمی، تعاملات اقتصادی یکی از مهم‌ترین کارویژه‌ای این پلتفرها در ایران و جهان هستند. فقط کافیست به این موضوع توجه شود که درآمد نوع کسب‌وکار اینترنتی در سطح جهانی، به‌ویژه در خرده‌فروشی، اکنون به بیش از دو تریلیون دلار رسیده است. همین امر موجب شده اغلب کارفرمایان، نیروی کار خود را از این فضا انتخاب و تامین می کنند؛ به‌عبارتی تمامی کارگزاران اقتصادی توجهی ویژه را به دیجیتال مارکتینگ معطوف کنند. در این میان نکته قابل تامل این است که موضوع اقتصاد دیجیتال، امروزه به فراتر از اقتصادی خرد رسیده و حتی نقشی مهم را در رشد و توسعه اقتصادی کشورهای مختلف دارد. در این میان، قطع اینترنت و فیلترینگ فضای مجازی نه‌تنها زندگی ساده و فعالیت‌های روزمره به‌ویژه روابط اجتماعی را مختل کرده بلکه خسارت‌های زیادی بر اقتصاد و چرخه تولید کشور تحمیل کرده است.

در شرایطی که تاکید دولت و حاکمیت بر توسعه کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و دیجیتالی‌شدن بخش‌هایی مانند صنعت و معدن است، اینترنت که اصلی‌ترین بازوی توسعه و روغن تسهیلگر صنایع محسوب می‌شود، اختلال و فیلترینگ شده و بسیاری از بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

سکانس سوم – افزایش بیکاری در سطحی گسترده

علاوه بر آثارهای اقتصادی مورد اشاره، تداوم وضعیت فیلترینگ و اختلال در شبکه اینترنت به وضوح می‌تواند نقشی مهم را در حوزه اشتغال داشته باشد. در این زمینه، رجوع به نظرسنجی و تحقق روزنامه دنیای اقتصاد بسیار قابل تامل است. این روزنامه پس از نظرسنجی از ۴۰ فعال اقتصادی در گزارشی نوشت بیش از ۹۷ درصد پاسخ‌دهندگان، خسارت مالی به کسب‌وکارشان را تایید کردند و بیش از ۶۷ درصد اعلام کردند که اختلالات ایجاد شده باعث خسارت اعتباری به کسب وکارشان شده است. از میان ۴۰ پاسخ‌دهنده، ۳۹ نفر به سوال «آیا اختلال ایجادشده در اینترنت موجب خسارت مالی به کسب و کار شما شده است؟» پاسخ مثبت دادند که درنتیجه ۹۷/۵ درصد پاسخ‌دهندگان از محدودیت‌های اینترنتی آسیب دیده‌اند. همچنین ۶۷/۵ درصد آن‌ها اعلام کرده‌اند که می‌توانند خسارات مادی وارد شده را برآورد کنند. این گزارش نشان می‌دهد ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان تا ۳۰ درصد در اثر این اختلال خسارت مادی دیدند. ۲۲/۵ درصد بین ۳۰ تا ۵۰ درصد و ۲۷/۵ درصد هم بیش از ۵۰ درصد در اثر اختلالات اینترنت دچار آسیب



شده‌اند. در ادامه ۹۲/۵ درصد پاسخ‌دهندگان اعلام کردند تداوم اختلال در اینترنت، تداوم خسارت مادی را برایشان به‌دنبال خواهد داشت و ۴۵ درصد تایید کردند که در صورت ادامه اختلال، ممکن است کسب وکارشان به‌طور کامل از بین برود. ۵۵ درصد اعلام کردند که کسب وکارشان تغییر شکل پیدا کرده است. این آمارها به وضوح گویای واقعیات مهمی بر آینده اشتغال و وضعیت بیکاری در کشور است. این که ۴۵ درصد کسب‌وکارها در معرض ورشکستگی کامل قرار دارند و ۵۵ درصد در فکر تغییر اشتغال هستند، پالس وقوع یک فاجعه را در بازار اشتغال مخابره می‌کند. حتمی‌ترین پیامد چنین رخدادی تعدیل نیرو و تعطیلی بسیاری از کارگاه‌ها و کارخانه‌ها است. البته این موضوع در گفت‌وگوی خبرنگار فرارو، با یک کارشناس بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار، شاغل در شهر صنعتی شمس آباد، نیز مورد تایید قرار گرفته است. بنابر اظهارات این مهندس HSE در معاینات دوره‌ای بسیاری از کارخانه‌ها به این مساله مشهود بوده که به تعدیل نیروی قابل توجهی صورت گرفته است. در پی‌جویی این موضوع نیز کاهش فروش محصولات از سوی مدیران کارگاه‌ها و کارخانه‌ها مطرح شده است.

سکانس چهارم– تاثیرات پنهان فیلترینگ بر تضعیف بخش خصوصی و حوزه‌های مختلف دیگر

فراتر از حوزه‌های آشکار اقتصادی همچون ورشکستگی کسب و کارهای اینترنتی، تعدیل نیروهای و افزایش بیکاری، فیلترینگ و محدودیت‌های اینترنتی تاثیرات غیرمستقیم و پنهانی را بر فعالیت‌های بخش خصوصی و حتی دولتی در حوزه‌های مختلف داشته است. در یکی از عینی‌ترین نمودها، اخیرا مدیرعامل شرکت پست از کاهش یک سوم درآمد شرکت ملی پست خبر داده است که این یکی از نمونه‌های آن بر بخش دولتی است. کاهش نقل و انتقالات مالی در نتیجه کاهش فروش کسب‌وکارهای اینترنتی یکی دیگر از تبعات حتمی اختلال در روند اینترنت است. همین روند تاثیر عمیق را بر کاهش گردش مالی بانک‌ها داشته و خواهد داشت که برآیند حتمی آن می‌تواند کاهش سوددهی بانک‌ها باشد. همچنین، تاثیرات اختلال در اینترنت و فیلترینگ تنها محدود به کسب و کارهای اینترنتی نبودهف بلکه تاثیرات آن به طور روزانه بر بازار کالاها نیز تاثیر گذاشته است.

حتی در سطحی دیگر، بخش رسانه‌های خصوصی اعم از سایت‌ها و روزنامه‌ها که منابع مالی خود را از گرفتن تبلیغات تامین می‌کنند، با چالشی بسیار جدی مواجه شده‌اند؛ چرا که دیگری بسیاری از استارت آپ‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌ها به دو دلیل کاهش درآمد و البته باور به ناکارآمد بودن تبلیغ در فضای مجازی به شکل کنونی، حاضر به هزینه کردن در حوزه تبلیغات نیستند. البته این نمونه‌ها آن قدر گسترده است که حتی می‌توان دامنه آن را به درآمد سوپرمارکت‌های محلی نیز ارجاع داد.

سکانس پنجم – کاهش ورود گردشگران به کشور و هدر رفت فرصت طلایی جام جهانی قطر

یکی دیگر از حوزه‌های عینی و محسوسی که به طور مستقیم از فیلترینگ ضربه خورده، بخش گردشگری، به ویژه فرصت‌سوزی ویژه جذب توریسم در میانه برگزاری جام جهانی قطر بود. بر اساس گزارش ایلنا، میر پویان رفیعی شاد، رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی دفاتر سفر هوایی، گردشگری و زیارتی استان تهران، تاکیدکرده که در نتیجه کندی اینترنت و تصویرسازی که این روزها از ایران در جهان می‌شود، بیش از ۹۰ درصد تورهای ورودی کنسل شدند و شاهد رکود در گردشگری داخلی، خروجی و تورهای ورودی هستیم.

رفیعی شاد تاکید می‌کند: «صنعت گردشگری با تکنولوژی آمیخته است. از این رو کندی سرعت اینترنت و فیلتر شدن اپلیکیشن‌هایی که بخش عمده‌ای از بار تبلیغات و فعالیت آژانس داران و فعالان گردشگری بر روی آن‌ها انجام می‌شد، آسیب‌های زیادی را متوجه صنعت گردشگری کرده است. او از تعدیل نیرو بسیار زیاد و حتی تعطیلی کامل برخی از آژانس‌ها و دفتر خدمات مسافرتی کشور در تهران خبر می‌دهد. فراتر از این اظهارات، عینی‌ترین نمود فرصت‌سوزی در زمینه توریسم را می‌توان به برگزاری جام جهانی قطر و پتاسیل‌های گردشگری آن برای کشور رجوع داد. مسئولان کشور در گذشته بارها از آمادگی و استقبال ایران از میهمانان دیگر کشورها، در میانه برگزاری جام جهانی خبر داده بودند. حتی ظاهرا در جزیره کیش هم تدابیری ویژه در نظر گرفته شده بود. اما اکنون فیلترینگ و بازنمایی منفی ایران در رسانه‌های جهانی موجب شده که اکثریت قاطع طرفداران فوتبال به کشورهای همانند امارات، عربستان و ترکیه سرازیر شوند.

سکانس ششم – کاهش اعتبار فعالان اقتصادی در سطح مبادلات خارجی

گستره تاثیرات فیلترینگ و محدودیت‌های اینترنتی، حتی به سطح فعالان اقتصادی ایرانی در سطح خارجی نیز رسیده است. این روزها بر اساس اظهارات تجار و اعضای اتاق بازرگانی ایران، فیلترینگ محدودیت‌های زیادی را بر روند ارتباط‌گیری آن‌ها با طرف‌های خارجی ایجاد کرده است.

در این زمینه، روزنامه دنیای اقتصاد به نقل از یک تاجر ایرانی می‌نویسد: «توضیح این مسئله دشوار است که چگونه در یک کشور حتی پیام‌رسانی مانند واتساپ قطع می‌شود و این نشانه بی‌ثباتی محیط محسوب می‌شود و تجارت را دشوار یا به‌طور کلی قطع می‌کند. حتی اگر تجار خارجی همدلی با ایرانیان نشان دهند این مسئله همیشگی نخواهد بود.»

این اظهارات به وضوح بدین معنا است که از یک سو، طرف‌های خارجی نمی‌توانند به روال سابق با تاجران ایرانی تعامل داشته باشند و از سوی دیگر، قطع شدن و فیلتر پلتفرم‌هایی همچون واتس آپ، بار روانی منفی‌ای بر میزان اطمینان آن‌ها در معامله با طرف ایرانی داشته است. همین امر به آسانی می‌تواند موجب شود که آن‌ها قید تجارت با ایران بزنند.

چرا دلار ترمز برید؟

دنیای اقتصاد نوشت: در روزهای پایانی هفته گذشته نرخ شاخص ارزی در کانال تاریخی ۳۴هزار تومانی به تحرکات افزایشی خود ادامه داد و به میانه‌های نیمه دوم این کانال رسید.
با آغاز فاز تهاجمی دلار به سمت کانال‌های قیمتی بالاتر، نهادهای بازارساز و سیاستگذار در فاز تدافعی قرار گرفتند.
بر اساس بررسی‌های به عمل آمده از هسته مرکزی بازار ارز تهران مشاهده می‌شود که سطح تقاضا برای خرید اسکناس‌های خارجی افزایش چشمگیری داشته و همین امر سبب رشد نرخ دلار غیررسمی در روزهای اخیر شده است.
کارشناسان بازار تهران از جمله دلایل افزایش حجم تقاضا برای خرید ارز را گستردگی انتظارات تورمی در فضای بازار می‌دانند.
بر اساس گزارش منتشرشده توسط مرکز آمار نرخ تورم نقطه به نقطه کشور در ماه نخست پاییز سال جاری به رقم ۴۸/۶ درصد رسیده است.
کارشناسان نیز ضمن اشاره به همین امر بر این باورند که افراد جامعه و فعالان بازار با هدف حفظ ارزش دارایی‌های خود در برابر تورم اقدام به خرید ارز و طلا می کنند.
در نهایت قیمت هر برگ اسکناس آمریکایی در واپسین معاملات نقدی روز پنج‌شنبه ۱۲ آبان با حدود ۵۲۰ تومان افزایش نسبت به نرخ روز چهارشنبه به رقم ۳۴ هزار و ۸۵۰ تومان رسید.
عمده فعالان ارزی بازار تهران بر این باورند که هفته پیش‌رو بازه زمانی سرنوشت‌سازی خواهد بود و باید دید که با توجه به سیگنال‌های مثبت در زمینه ذخایر ارزی کشور، بانک مرکزی چه واکنشی به تغییر کانال‌های دلار نشان خواهد داد.

پایان افسانه پاییز سرد اروپا که شریعتمداری و مرندی تصور می کردند، چه شد؟

شرق نوشت: در اثنای امیدواری‌های جامعه برای از سرگیری مذاکرات وین، حصول توافق و احیای برجام در مردادماه، دلواپسان و سوپراصولگرایان با تکیه بر توهم و افسانه‌ای به نام پاییز و زمستان سرد اروپا به دنبال فشار بر دولت برای تأخیر دوماهه گفت‌وگوها بودند تا قاره سبز با تشدید بحران انرژی از موضع ضعف پیش‌شرط‌های ایران برای توافق را بپذیرد. حال که تحلیل روزنامه‌هایی مانند کیهان و توییت‌زنی محمد مرندی که اصطلاحا عنوان مشاور تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را دارد، به نتیجه نرسید و با پایان‌یافتن مهلت دوماهه اکنون «فصل سرد» در روابط ایران و قاره سبز جای «پاییز و زمستان سرد اروپا» را گرفته است، این طیف باید پاسخ‌گوی وضعیت کنونی باشند، هرچند تاریخ به‌خوبی نشان داده است این رسانه‌ها، جریانات سیاسی و افراد بدون پذیرش مسئولیت گفته‌ها، موضع‌گیری‌ها و اشتباهات‌شان، همه چیز را مقصر چالش و مشکلات کشور می‌دانند، جز خود.

چرا خیابان جای صندوق رای را گرفت؟

عصرایران؛ مصطفی داننده: در حال مرور فیلم‌های قدیمی بودیم که به فیلمی از ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی رسیدیم. فیلم را سال ۹۲ برداشته بودیم. آن زمان که حسن روحانی برای سخنرانی انتخاباتی به ورزشگاهی آمده بود که مردم سال‌ها در آن شاهد افتخار آفرینی ملی پوشان والیبال ایران بودند.
شوری به پا بود. همه با هم سرودهای ملی می‌خواندند و از شعارهای انتخاباتی حسن روحانی حمایت می کردند. همان جوان‌ها یک ماه تمام در خیابان به صورت چهره به چهره مردم را دعوت به حضور در انتخابات می‌کردند و از آینده روشن می گفتند.



جوان‌هایی که در سال ۸۸ یک بار سرخوردگی را تجربه کرده بودند اما امید داشتند باز هم از طریق صندوق رای به اهداف خود برسند. همانگونه که جوانان در سال ۷۶ با یک اتحاد مثال زدنی به آن چه می‌خواستند رسیدند. البته که فقط جوان‌ها نبودند اما در این نوشتار می‌خواهم از جوانان بگویم که این روزها در دانشگاه، مدرسه و خیابان شیوه دیگری را به غیر از صندوق رای برای بیان حرف‌هایشان انتخاب کرده‌اند.
همان‌هایی که سال ۹۶ هم به پای صندوق رای آمدند و حرف خود را به کرسی نشاندند که مسیر آینده کشور را مشخص کنند. اما حالا چرا به اینجا رسیده‌ایم؟
بحران‌های اجتماعی یک باره اتفاق نمی‌افتند. این پدیده‌ها تصادف جاده‌ای نیستند که به خاطر غفلت یک راننده و یا خرابی یک ماشین به وقوع بپیوندد بلکه علت و معلول‌های بسیاری دارد که هیچگاه به آن پرداخته نشده است.
در سال هزار و چهارصد، اصول گرایان سرخوش از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم بودند. بعد از دو شکست، آنچه را خود پیروزی بزرگ می‌پنداشتند جشن گرفته بودند اما فراموش کرده بودند که برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری به زیر ۵۰ درصد رسیده است.
۵۱ درصد از مردم در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ رای ندادند و این درحالی است که در سال ۹۶، تنها ۲۶ درصد مردم به پای صندوق رای نیامدند. این هشدار بزرگی بود که بخش مهمی از جامعه صندوق رای را دیگر راه تغییر در کشور نمی دیدند.
مردم به این نتیجه رسیدند که دیگر مثلا برای تغییر در وضعیت اقتصادی کشور یا حل مسئله گشت ارشاد نمی‌توان امید به تغییر دولت‌ها یا مجلس‌ها داشت. وضع همانی است که هست. شعارهای انتخاباتی در حد شعار می‌ماندند و وضع ایران هر روز بدتر از دیروز است.
ناظران سیاسی این شکاف ایجاد شده را درک نکردند و با خود گفتند که در بسیاری از کشورهای دنیا میزان مشارکت در انتخابات به زور به ۴۰ درصد می‌رسد و این آمار برای ایران یک برد بزرگ است و شروع به حماسه سرایی برای آن کردند.
البته که این پیروزی با سرخوردگی بزرگی همراه بود. این که امروز جوان دانشگاهی با شدیدترین الفاظ اعتراض خود را نشان می‌دهد، یعنی دیگر امیدی به تغییر بنا بر شعارها و وعده‌ها ندارد. او به خوبی به یاد دارد در همان ورزشگاه ۱۲ هزار نفری برای شعار برداشتن گشت ارشاد سوت و کف زده است اما در عمل هر روز شاهد شدیدتر شدن این برخورد پلیسی با یک پدیده فرهنگی شدند.
وقتی قدرت تصمیم گیری در مورد مسائل مهم کشور از جمله سیاسی و فرهنگی از دست دولت‌ها خارج شد و شوراهای مختلف برای این مسائل تصمیم گرفتند، جامعه به این نتیجه رسید که با تغییر دولت‌ها هیچ تغییری در سیاست‌گذاری‌ها ایجاد نمی‌شود و آش همان آش است و کاسه همان کاسه.
بسیاری از ایرانیان خارج از کشور که این روزها به شدت معترض شرایط کشور هستند، در انتخابات ۹۲ و ۹۶ به طرز عجیبی یکدیگر را دعوت به حضور در انتخابات می کردند تا با تغییر شرایط کشور مسیر بازگشت‌شان به ایران



فراهم شود.
همان‌ها امروز هر شنبه شعارهایی می‌دهند که نمی‌شود در جمع آنها را گوش کرد.
جالب اینجاست که به جای درس گرفتن، به تندروترین افراد جامعه تریبون می‌دهیم تا در صدا وسیمایی که به عقیده نگارنده هنوز پرمخاطب‌ترین رسانه ایران است، حاضر شوند و جامعه را عصبانی کنند. کسانی که نقش بسزایی در ناامید کردن مردم از صندوق رای داشتند. همان‌هایی که در پارلمان برجام را آتش زدند و امروز بر این باورند که گشت ارشاد باید پررنگ‌تر از گذشته به کار خود ادامه دهد. متعصبینی که همیشه راه گفت‌وگو در کشور را بسته‌اند و فقط خود را فرزند پیامبر می‌دانند و دیگران را کافر خطاب می کنند.
بله، اعتراضات امروز ایران، حاصل یک ناامیدی بزرگ است. ناامیدی از صندوق رای! و این هنر بزرگی بود که مردم امیدوار به تغییر را تبدیل به سرخوردگانی کردیم که امیدی کمی به فردا دارند. درهمین جامعه ناامید مسئله گشت ارشاد تبدیل به یک اصل می‌شود و بسیاری از ائمه جمعه هر هرهفته در مورد آن حرف می‌زدند اما در مورد فساد اقتصادی و فشار گرانی به مردم سکوت می‌کردند و سعی می‌کردند نشان دهند همه چی آرام است و اینها امتحان الهی است.
آنچه مثل آفتاب هویداست و نمی شود آن را انکار کرد شکل گرفتن این انگاره در ذهن مردم است که برای تغییر در جامعه نمی توان به صندوق رای امیدوار بود.
آنان که وعده تغییر بعد از آرامش می دهند آیا می توانند امید به صندوق رای را به مردم بازگردانند یا روش دیگری سراغ دارند و با همین شیوه می خواهند ادامه دهند؟

عباس عبدی:
سیاهه اشتباهات ساختار قدرت کشور کرانه ندارد



عباس عبدی، تحلیلگر مسائل سیاسی و اجتماعی طی یادداشتی در روزنامه اعتماد نوشت: تقریبا از ابتدا روشن بود که وضعیت رخ داده در ۴۵ روز گذشته و نحوه مواجهه با آن، موجب تداوم آن اعتراضات شده و به مراحل خطرناکی خواهد رسید. نکته جالب این است که تاکنون ساده‌انگارانه چند بار پایان خیابان را اعلام کردند و متاسفانه گمان می کردند که این نیز بازی رسانه‌ای «جنگ روایت‌ها» است و با این اعلام، اعتراضات هم پایان خواهد یافت.
تصور «کن فیکونی» از واقعیت داشتن خطرناک است. هیچ گاه هم زحمت این را به خود ندادند که بگویند براساس چه شواهدی می گویند تمام شد؟ بگذریم. اگر نیک بنگریم، خواهیم دید که نقطه قوت ایران حضور مرجعیت سیاسی در داخل کشور بود، مرجعیتی که با انتخاباتی نصف و نیمه و استصوابی، افتان و خیزان کارهایی می کرد، ولی در دهه گذشته، ابتدا مرجعیت رسانه‌ای را به آن سوی آب فرستادند و از سال ۱۳۹۸، مرجعیت سیاسی داخلی را اخته کردند، حتی اگر مرجعیت سیاسی منتقدان اشتباهاتی هم داشته باشد، ولی مگر اشتباهات ساختار سیاسی کم بود؟
چه اشتباهی بزرگ‌تر از اینکه گمان کنند در این جهان متحول می‌توانند با مدیرانی کشور را بگردانند که می‌خواستند با یک میلیون تومان شغل ایجاد کنند؟ چه اشتباهی مهلک‌تر از اینکه همچنان بر ادامه گشت ارشاد غیرقانونی پای بفشارند، در حالی که می‌دانند بخش مهمی از مردان و زنان با آن مخالف هستند؟ چه اشتباهی مهلک‌تر از اینکه هیچ پژوهش جدی درباره نسل جوان کشور و نیازها و علایق و رویکردهای آنان انجام نشود و اجازه انجام آن نیز سخت و ممتنع باشد و در نتیجه در بی‌اطلاعی محض از این نسل، برایشان سرود بسازند؟ چه اشتباهی مهلک‌تر از اینکه اتفاقات به این گستردگی را صرفا به دخالت خارجی تقلیل دهیم؟ دخالتی که همیشه بوده و هست و خواهد بود؛ ولی چرا اکنون به چنین وضعی رسیده‌ایم؟
چه اشتباهی مهلک‌تر از اینکه عموم تحلیلگران و کارشناسان جامعه و اقتصاد، رخ دادن بحران را پیش‌بینی می کردند، نه پیش‌بینی پیامبرگونه، بلکه یک پیش‌بینی عادی و متعارف، ولی هیچ‌کس در ساختار قدرت توجهی نکرد و آن‌ها را ناشی از خودباختگی و عدم درک جامعه دانستند؟ این سیاهه اشتباهات کرانه ندارد.
اتفاقات روز پنجشنبه در کرج و سپس بلوچستان می‌تواند به منزله بلندتر شدن صدای زنگ خطر برای جامعه ایران باشد. تقلیل مسائل به بدخواهی دشمنان و توطئه‌های آنان نه تنها هیچ چیزی را از بار مسوولیت حکومت کم نمی کند که بیشتر هم می کند، از این رو پرسش اساسی این است که چه باید کرد یا چه می‌توان کرد؟
به نظر می‌رسد که ارایه هر گونه طرح و ایده برای برون‌رفت از این وضع عملی بیهوده و غیرمفید است، زیرا مشکل ایران فقدان اراده برای اصلاحات است و این یک امر سیاسی محض است و این ضعف‌های سیاست است که خود را در سایر حوزه‌ها بازتاب می‌دهد. پس راه‌حل نیز در سیاست است.
راه‌حل سیاسی نیز مساله‌ای فنی و تکنیکال نیست. اگر یک خودرو خراب باشد، یا مثلا مشکلی در سلامت جسمی باشد، می‌توان آن‌ها را به کارشناس خودرو یا پزشک ارجاع داد. ولی سیاست چنین نیست، زیرا کارشناسان سیاست نیز، جزیی از مشکل هستند. درحالی که صاحب خودرو لزوما جزیی از مشکل خودرو نیست. پس راه‌حل چیست؟ در ابتدا شکل‌گیری اراده برای حل مساله در سطح ساختار سیاسی ضرورت دارد. تا هنگامی که این اراده شکل نگیرد، هیچ ایده‌ای نمی‌تواند مخاطب خود را پیدا کند، جز ایده‌ای که عملی شدن خود را خارج از متغیرهای ساختار سیاسی و اصلاحات سیاسی تعریف کند، یعنی تداوم همین وضع اعتراضی که هست. اگر چنین اراده‌ای شکل گرفت، آنگاه می‌توان از خلال گفتگوهای جمعی و مشارکت عمومی راهی پیدا کرد، البته شاید و نه لزوما قطعا. تا رسیدن به این نقطه فرآیند طی شده در ۵۰ روز گذشته یا ادامه پیدا می کند یا به صورت سینوسی بروز خواهد یافت. چنین مباد.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

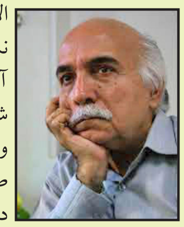
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



سفره نیانداخته، بوی مُشک می دهد

حسین حشمتی



الان چند ماهی می شود که بعضی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با آب وتاب سخن از افزایش حقوق شاغلین و بازنشستگان کشوری و لشکری می گویند و آن چنان صحنه آرایی می کنند که قند توی دل بازنشستگان آب می شود، مثلا یکی از نمایندگان در یک مصاحبه تلویزیونی می گفت: "برای بازنشستگان عزیز که جزو ذخائر و فرهیختگان جامعه هستند امسال دو بار افزایش حقوق تصویب کردیم یکی همان ۱۰درصدی است که اول سال گرفتند و یکی دیگر در اوایل۶ ماهه دوم امسال است که شامل یک ۹۰۰ هزار تومان به اضافه ۵ درصد و حق اولاد برای هر فرزند تا۲۰۰هزار تومان که اگر ۵ فرزند تحت تکفل داشته باشد با احتساب حق عائله مندی عیالش حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزارتومان هم از این بابت دریافت خواهد کرد که مجموع اینها یک مبلغ مناسبی رابه حقوق ها اضافه خواهد کرد که اگرچه هنوز به آن چه مطلوب ماست نمی رسد اما بالاخره کمک خوبی به معیشت این عزیزان خواهد شد". وعده های عملی نشده این نماینده مجلس در حالی است که اولا طبق گزارش بعضی ازمنابع خبری، تورم بالای ۴۰ درصد است و افزایش حقوق اعلام شده تنها یک چهارم میزان تورم می باشد و درثانی احکام صادره توسط صندوق بازنشستگی کشوری حاکی از آن است که رقم افزوده شده معادل ۱۰درصد حقوق ثابت فعلی است یعنی مثلا اگر حقوق بازنشسته ای۶ میلیون تومان بوده حدود ۶۰۰ هزار تومان افزایش داشته نه لزوما ۹۰۰ هزارتومان، ضمن این که از بابت ۵ درصد مجهول هم چیزی به حقوق ها اضافه نگردیده و رقم حق عائله مندی و حق اولاد نیز همان است که در حکم قبلی قید شده و تغییرنکرده است.

صاحب این قلم البته اقدام اخیر دولت سیزدهم مبنی بر صدور احکام افزایش حقوق ها به میزان ۱۰ درصد را ارج می نهد اما انتظار می رفت دولت به وعده اش درمورد افزایش رقم ۹۰۰ هزار تومانی حقوقها و همچنین حق عائله مندی عمل می کرد تا کمرِ این آبرومندان جامعه بیش از این زیر بار سنگین گرانی ارزاق عمومی و به خصوص هزینه های درمان و دارو خم نشود.

و اما روغن داغ این آش هفت جوش را اظهارات اخیر رئیس سازمان برنامه و بودجه تکمیل کرده (آن جاکه به گزارش ۱۱ آبان ماه سالجاری دنیای اقتصاد) مسعود میرکاظمی درحاشیه جلسه هیات دولت به خبرنگاران اعلام کرده است که دولت با بخش هایی از لایحه افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان که در مجلس تصویب شده مخالف است و همچنین به اقدام مجلس نشینان مبنی بر افزایش وکاهش هزینه ها اعتراض نموده و اظهار امیدواری کرده که شورای نگهبان به این اختلاف رسیدگی نموده و در حد توان دولت اصلاح نمای، عجالتا همین اختلاف میان مجلس و دولت باعث گردیده افزایش حقوقی که قرار بوده در شهریور۱۴۰۱کام گروه هدف را شیرین سازد احتمالا در بهمن ماه به یُمَن پیروزی انقلاب اسلامی به آنان پرداخت گردد. با همه اینها، باید منتظر ماند و دید که آیا فشار مجلس یازدهم دولت سیزدهم را ناگزیر خواهد ساخت تا احکام ۱۰درصدی بازنشستگان کشوری و لشکری را اصلاح نماید و درصد بیشتری را به این قشر زیرخط فقر اختصاص دهد یا رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت سیزدهم با کوبیدن برطبل «عدم توان مالی» دولت، موفق خواهد شد لایحه ۱۰درصدی را به تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان برساند و اجرایی نماید و به همین دلیل است که عنوان این یادداشت را "سفره ی نینداخته بوی مُشک می دهد"انتخاب کرده ام.

چهار مقدمه ضروری حل بحران

روزنامه هم‌میهن در سرمقاله خود نوشت: اتفاقات دو روز گذشته به‌ویژه در بلوچستان و کرج پیام خوبی ندارد. گرچه شواهدی ولو ضعیف در برخی از مواضع دیده می‌شود که نشان‌دهنده توجه ساختار به عمیق بودن بحران است، ولی این شواهد بسبار ضعیف است و ارزش آن را ندارد که بتوان روی آنها حساب باز کرد؛ از جمله بیانیه منتشرشده در پایان راهپیمایی روز جمعه که لحن آن متفاوت از گذشته بود. صادرکنندگان این بیانیه در کنار مواضع افراد دیگر درون ساختار می‌خواهند بر دو نکته تاکید کنند؛ اول، مرز میان اغتشاش و اعتراض است و این که باید معترضان را به رسمیت شناخت و با اغتشاش‌گران برخورد قاطع کرد. دوم، این که مطالبات اصلی معترضان، اقتصادی و مربوط به معیشت مردم است. هر دو مورد محل تأمل است. ممزوج شدن اعتراض و اغتشاش ناشی از نحوه برخورد اولیه و سنتی با اعتراضات است. نمونه روشن آن همین راهپیمایی دیروز بود که آرام و بدون مجوز برگزار شد، ولی به‌صورت تبعیض‌آمیزی هیچ‌گاه برای معترضان چنین امکانی فراهم نیست و به سرعت با آنان مقابله شده است و این امر در طول زمان ۵۰ روز گذشته اوج گرفته و به امروز رسیده است. پس نمی‌توان با بیان یک جمله کلیشه‌ای اعتراض و اغتشاش را از یکدیگر تفکیک کرد. کسانی که این دو مقوله را با هم تلفیق و ممزوج کردند، خودشان باید پاسخگو باشند و الا مردم که بیمار نیستند ابتدا به ساکن تخریب و سنگ‌پرانی کنند.



نکته دوم یعنی معیشتی بودن مطالبات هم به عبارتی مورد تأمل است. زیرا تقریبا هیچ‌کدام از وعده‌های اصلی دولت جدید محقق نشده است. نه تورم نصف شد که برای طبقات فقیر بیشتر هم شد نه یک میلیون شغل ایجاد شد و نه از یک میلیون مسکن خبری است نه رشد اقتصادی مطلوب به وجود آمد و نه دلار ۵هزار تومان شد! درحالی‌که در این یک سال و اندی آرامش سیاسی برقرار بود و حتی در پائیز سال گذشته امید مردم هم به انجام وعده‌های دولت بیشتر شد، ولی در بهار امسال همه ناامید شدند. حتی پدیده غیرقانونی و مخربی چون گشت ارشاد را هم حل نکردند. همه اینها به منزله آن است که اگرچه مسائل اصلی مردم اقتصادی است و اگر حل شود اعتراض زیادی را در پی نخواهد داشت ولی جامعه به این نتیجه رسیده که عدم حل این مسائل ریشه در ناکارآمدی دارد و آن نیز مسئله‌ای سیاسی است.

اینها گذشت تا اعتراضات اخیر به وجود آمد. این فرصت مهمی بود تا صدای مردم شنیده شود، ولی نه‌تنها چنین نشد که به‌راحتی آن را به توطئه بیگانگان تقلیل دادند و راه مقابله سخت‌افزاری را پیش گرفتند؛ راهی که در چنین اعتراضاتی موثر نیست. اعتراضات مهر ۱۴۰۱ و بلوچستان با آبان ۱۳۹۸ به‌کلی تفاوت دارد و این را همه متذکر شدند ولی کو گوش شنوا؟ در همین ماجرای ۵۰ روز هنوز یک اطلاع‌رسانی درست و درمان و پاسخگویی قانع‌کننده از حکومت شاهد نبوده‌ایم. راه‌حل‌های آنان تکراری و مبتنی بر عادت است. ساده‌ترین راه را انتخاب می‌کنند؛ راهی که همه مشکلات را میخ می‌بیند و چاره کارش چکش است.

اکنون چه‌کاری می‌توان کرد؟ چند نکته مقدماتی مهم وجود دارد. اول از همه بپذیرید مشکلات و بحران، ریشه‌های داخلی دارد، گرچه تردیدی در دخالت‌های خارجی نیست ولی نسبت به اصل موضوع به‌شدت فرعی است هر چند با ادامه این وضع اهمیت عامل خارجی بیشتر خواهد شد. دوم اینکه شیوه‌های موجود برای مقابله با بحران منسوخ و ناکارآمد و حتی زیان‌بار است و بیشتر شبیه ریختن بنزین روی آتش است که آن را شعله‌ور می‌کند و نه خاموش. کینه و نفرت و خشونت را بیشتر خواهد کرد.

سوم اینکه مطابق گفته امام علی فرصت‌ها چون ابر می‌گذرند. گره‌ای که امروز با دست باز می‌شود، فردا با دندان هم باز نخواهد شد. پس فرصت را دریابید و بالاخره این که باید اراده‌ای برای حل مشکلات شکل بگیرد و همه نیروهای سیاسی به حاشیه رانده شده اعم از اصولگرایان محذوف و اصلاح‌طلبان و فراتر از آنان برای کمک به این اراده مشارکت کنند. راه دیگری نه‌تنها وجود ندارد بلکه اتلاف وقت و از دست دادن فرصت است.

ارتباط تنگاتنگ فقر با اختلالات روانپزشکی

معاون بیمارستان روانپزشکی روزبه:

– میزان اضطراب و افسردگی و حتی میزان وسواس در زمان پاندمی کرونا چند برابر شد.
– مراجعه به ما در حوزه بیماری روان از سنین حدود ۱۰ ماهگی آغاز می‌شود و تا ۱۸ سال هم در این بخش پذیرش داریم.
– علت ارجاع، مشکلات و مسائل مختلفی است که شایع‌ترین آنها اختلال بیش‌فعالی، نارسایی توجه، افسردگی و اختلال دو قطبی است.
– وراثت در بروز بیماری‌های اعصاب و روان نقش دارد.
– خدمات سلامت روان در ایران در مقایسه با سایر کشورها فوق‌العاده ارزان است.
– با افزایش فقر، شکی نیست که اختلالات روان هم افزایش می‌یابد./ایسنا

ارشاد نباید انتظامی باشد

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی: هیچ مصوبه‌ای تحت عنوان گشت ارشاد نداریم

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در برنامه صف اول گفت: در شورا هیچ مصوبه ای تحت عنوان گشت ارشاد نداریم و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص حجاب بسیار کیفی است. وی افزود: ارشاد یک امر انتظامی نیست. وی در بخش دیگر سخنان خود گفت: بخش عظیم مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی متوجه بخش تعلیم و تربیت است. تغییری در مصوبات شورای عالی قرار ندارد. نیروی انتظامی در زمینه حجاب می‌تواند به افراد تذکر غیرحضوری بدهد. لزومی ندارد نیروی انتظامی کلاس آموزشی برای افرادی که حجاب را رعایت نمی‌کنند، برگزار کند.

درآمد ماهانه حدود ۷۰۰ میلیارد تومانی فقط از آبونمان تلفن ثابت

کانال احمدی‌نژاد مچ دولت رئیسی را گرفت!

کانال تلگرامی «دولت بهار» وابسته به احمدی نژاد در مطلبی با تیتر «دست بردن در جیب مردم به سبک دولت انقلابی» از رئیسی انتقاد کرد.

کانال تلگرامی دولت بهار نزدیک به محمود احمدی‌نژاد نوشت: شرکت مخابرات در اقدامی بی سابقه هزینه آبونمان تلفن ثابت را تا ۲۰ هزار تومان افزایش داده و هر خانواده ایرانی چه از خطوط ثابت استفاده کند و چه اصلا استفاده نکند ملزم به پرداخت ماهانه این مبلغ به مخابرات است. باتوجه به اینکه تعداد اشتراک تلفن ثابت شرکت مخابرات ایران حدود ۳۷ میلیون خط است درآمد حاصل از این افزایش ماهانه حدود ۷۰۰ میلیارد تومان خواهد بود.

روزنامه جمهوری اسلامی:

کاش یک کلمه عذرخواهی می کردید و یک استعفای نمایشی می دادید

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: آن چه که اکنون در سرزمین ما اتفاق می‌افتد، به سادگی می‌شد حل گردد. یک عذرخواهی صریح و بی‌تکلف با این مضمون که نیت ما پاک و خیر بود و می‌خواستیم فرزند زیباروی شما در این سرزمین پیچ و خم‌های زندگی را به خوبی و با سلامت طی کند، اما خطایی اتفاق افتاد و ما را ببخشید! و می‌شد ادامه دهند بیشتر از حد دخالت کردیم و خجالت زده‌ایم!

آن مدیر می‌توانست استعفای نمایشی انجام دهد و مدیربالادست هم برایش ارتقا در صندلی دیگر بدهد!! و آنگاه در خفا و یا در معرض دید به نقد ماجرا پرداخته می‌شد و آزادانه اصلاح زمینه و بستر خطا ممکن می‌شد، تا که آن گونه نشود!

اکنون هر روز سرزمین ما رنگین می‌شود، جوانی که آرزوها و آمالی دست نیافتنی را پیش رویش می‌بیند و دیگر جوانی که او هم موظف به اجرای ماموریتش است؛ خونش بر کف زمین می‌ریزد.

اما تمام این ماجراها در حافظه انسان‌ها به شکلی تیره و زمخت نقش می‌بندند و ریش سفیدی هم نیست که وارد صحنه شود و برای آینده این سرزمین کمترین دلجویی صریح را بطلبد!

کاش ریش سفیدی بود که به‌موقع و کم هزینه این کار را انجام داده بود، و گرنه هزینه‌های این ماجرا بدخواهان را شاد و دوستان را دل شکسته و غمگین خواهد ساخت.